

مطالعات معماری ایران ۲۶

دوفصلنامه علمی دانشکده معماری و هنر، دانشگاه کاشان

سال سیزدهم، شماره ۲۶، پاییز و زمستان ۱۴۰۳



- ◆ شناسایی گونه بنای از میان رفته در میراث معماری بندر بوشهر مبتنی بر تصاویر تاریخی
● عبدالحمید عالی حسینی / پرستو عشرتی
- ◆ چهارچوب گونه شناسی کارکردی معماری دست‌کند ایران بر پایه مدل میراث جهانی ایکوموس
● مهناز اشرفی / امین کیوانلو
- ◆ واکاوی تحولات ساختار شهر کرمان از سده پنجم تا دهم قمری با تکیه بر روابط سیاسی و نقش عناصر شهری
● علی شفیعی‌نژاد / علیرضا انیسی
- ◆ بازشناسی کوشک قجری باغ فین براساس نوآوری در فضاسازی معماری و نقوش تزئینی
● علی دادخواه / مهدی ممتحن / مریم صراف ماموری
- ◆ بررسی مفهوم «قابلیت ادراک‌شده» در حفاظت از میدان‌های تاریخی شهری در ایران
● منصور خواجه‌پور / پیروز حناچی
- ◆ نقش محرمیت و اشراف بر شکل‌گیری ساختار فضایی معماری خانه‌های بومی روستای هجیج
● مسعود رضایی / کارن فتاحی / سعید مرادی / بهزاد وثیق
- ◆ مبانی حفاظت از سکونتگاه‌های مرتبط با باغ‌های تاریخی در بیرجند
● مریم رضائی‌پور / محمدرضا فرزاد بهتاش / حمیدرضا صباغی / علیرضا انیسی
- ◆ عدالت و عمارت؛ نسبت معماری و عدالت نزد امام علی (ع)
● محمدمهدی عبدالله‌زاده
- ◆ روایتی از شکل‌گیری بنای پیربکران در عهد ایلخانان
● مرضیه میرزائی / محمدرضا رحیم‌زاده / ناصر نوروززاده چگینی
- ◆ تحلیل سیستمی فرایند تعادل در اجزای ساختاری بناهای تاریخی؛ مورد مطالعه: تحلیل گرافیکی طاق چهاربخش
● نیما کی‌نژاد / محمدحسن طالبیان / سعید خاقانی
- ◆ سنگ قبرهای صفوی و قاجاری روستای استرک کاشان
● محمد مشهدی نوش‌آبادی / محمدرضا محلوچی‌زاده
- ◆ نهی از «تبّرج» یا «تزیینات بیهوده» در هنر و معماری «عقل‌مدار و سلام‌محور»
● محمد علی‌آبادی

مطالعات معماری ایران

دوفصلنامه علمی دانشکده معماری و هنر، دانشگاه کاشان

سال سیزدهم، شماره ۲۶، پاییز و زمستان ۱۴۰۳
صاحب امتیاز: دانشگاه کاشان
مدیر مسئول: دکتر علی عمرانی پور
سر دبیر: دکتر غلامحسین معماریان
مدیر داخلی: دکتر بابک عالمی

هیئت تحریریه (به ترتیب الفبا):
دکتر عباس اکبری. دانشیار دانشگاه کاشان
دکتر حمیدرضا جیحانی. دانشیار دانشگاه شهید بهشتی
دکتر پیروز حناچی. استاد دانشگاه تهران
دکتر شاهین حیدری. استاد دانشگاه تهران
دکتر مارکوس ریتز. استاد دانشگاه وین
دکتر محمدصادق طاهر طلوع دل. دانشیار دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی
دکتر بابک عالمی، دانشیار دانشگاه کاشان
دکتر علی عبد الرؤوف. استاد دانشگاه حمد بن خلیفه قطر
دکتر علی عمرانی پور. دانشیار دانشگاه کاشان
دکتر فاطمه کاتب. استاد دانشگاه الزهرا (س)
دکتر حسین کلانتري. استاد جهاد دانشگاهی
دکتر اصغر محمد مرادی. استاد دانشگاه علم و صنعت ایران
دکتر غلامحسین معماریان. استاد دانشگاه علم و صنعت ایران
دکتر محسن نیازی. استاد دانشگاه کاشان

درجه علمی پژوهشی دوفصلنامه مطالعات معماری ایران طی نامه شماره ۱۶۱۶۷۶ مورخ ۱۳۹۰/۰۸/۲۱ دبیرخانه کمیسیون نشریات علمی کشور، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ابلاغ گردیده است.

پروانه انتشار این نشریه به شماره ۹۰/۲۳۰۳۰ مورخ ۹۱/۹/۷ از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صادر شده است.

این نشریه حاصل همکاری مشترک علمی دانشگاه کاشان با دانشکده معماری دانشگاه تهران، دانشگاه تربیت مدرس، دانشگاه الزهرا (س)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه شهید رجایی، پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری جهاد دانشگاهی و انجمن علمی انرژی ایران است. نشریه مطالعات معماری ایران در پایگاه استنادی علوم کشورهای اسلامی (ISC)، پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)، پایگاه مجلات تخصصی نور (noormags.ir)، پرتال جامع علوم انسانی (ensani.ir) و بانک اطلاعات نشریات کشور (magiran.com) نمایه می شود.

تصاویر بدون استناد در هر مقاله، متعلق به نویسنده آن مقاله است.

(نسخه الکترونیکی مقاله های این مجله، با تصاویر رنگی در تارنمای نشریه قابل دریافت است.)

ویراستار ادبی فارسی: معصومه عدالت پور

همکار اجرایی: فائزه تفرشی

عکس روی جلد: علی عمرانی پور

(عمارت بادگیر، کاخ گلستان)

دورنگار: ۰۳۱-۵۵۹۱۳۱۳۲

نشانی دفتر نشریه: کاشان، بلوار قطب راوندی، دانشگاه کاشان، دانشکده معماری و هنر، کدپستی: ۸۷۳۱۷-۵۳۱۵۳

پایگاه اینترنتی: jias.kashanu.ac.ir

رایانامه: j.ir.arch.s@gmail.com

شاپای الکترونیکی: ۲۶۷۶-۵۰۲۰



- ۵ شناسایی گونه بنای از میان رفته در میراث معماری بندر بوشهر مبتنی بر تصاویر تاریخی
عبدالحمید عالی حسینی / پرستو عشرتی
- ۲۷ چهارچوب گونه‌شناسی کارکردی معماری دست‌کند ایران بر پایه مدل میراث جهانی ایکوموس
مهناز اشرفی / امین کیوانلو
- ۴۷ واکاوی تحولات ساختار شهر کرمان از سده پنجم تا دهم قمری با تکیه بر روابط سیاسی و نقش عناصر شهری
علی شفیع‌نژاد / علیرضا انیسی
- ۶۵ بازشناسی کوشک قجری باغ فین براساس نوآوری در فضاسازی معماری و نقوش تزئینی
علی دادخواه / مهدی ممتحن / مریم صراف ماموری
- ۸۵ بررسی مفهوم «قابلیت ادراک‌شده» در حفاظت از میدان‌های تاریخی شهری در ایران
منصور خواجه‌پور / پیروز حناچی
- ۱۰۵ نقش محرمیت و اشراف بر شکل‌گیری ساختار فضایی معماری خانه‌های بومی روستای هجیج
مسعود رضایی / کارن فتاحی / سعید مرادی / بهزاد وثیق
- ۱۲۷ مبانی حفاظت از سکونتگاه‌های مرتبط با باغ‌های تاریخی در بیرجند
مریم رضائی‌پور / محمدرضا فرزادبختاش / حمیدرضا صباغی / علیرضا انیسی
- ۱۵۹ عدالت و عمارت؛ نسبت معماری و عدالت نزد امام علی (ع)
محمد مهدی عبدالله‌زاده
- ۱۷۹ روایتی از شکل‌گیری بنای پیربکران در عهد ایلخانان
مرضیه میرزائی / محمدرضا رحیم‌زاده / ناصر نوروززاده چگینی
- ۲۰۵ تحلیل سیستمی فرایند تعادل در اجزای ساختاری بناهای تاریخی؛ مورد مطالعه: تحلیل گرافیکی طاق چهاربخش
نیما کی‌نژاد / محمدحسن طالبیان / سعید خاقانی
- ۲۲۵ سنگ قبرهای صفوی و قاجاری روستای استرک کاشان
محمد مشهدی نوش‌آبادی / محمدرضا محلوچی‌زاده
- ۲۴۹ نهی از «تبرج» یا «تزیینات بیهوده» در هنر و معماری «عقل‌مدار و سلام‌محور»
محمد علی‌آبادی
- ۲۷۷ بخش انگلیسی

بررسی مفهوم «قابلیت ادراک شده» در حفاظت از میدان‌های تاریخی شهری در ایران*

منصور خواجه‌پور**

پیروز حناچی***

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۰۶

چکیده

قابلیت ادراک شده یکی از مفاهیم کلیدی و پرکاربرد در حوزه روان‌شناسی محیطی است که در شناخت رابطه الگوهای رفتاری و نیازهای کاربران با محیط به کار می‌رود. از طرفی، بخش بسیار مهمی از فرایند حفاظت در میدان‌های تاریخی، مشارکت ذی‌نفعان و رابطه متقابل آن‌ها با محیط است. این مفهوم در حوزه حفاظت معماری، هنوز جایگاه مشخص و روشنی ندارد؛ از این رو تعیین جایگاه قابلیت‌های ادراک شده در فرایند حفاظت، به‌خصوص در میدان‌های تاریخی به‌عنوان گونه‌ای از فضای عمومی شهری، می‌تواند در شناخت و درک بیشتر و کامل‌تر ارتباط ذی‌نفعان با میدان و در پی آن تصمیم‌های حفاظتی تأثیرگذار باشد. هدف این پژوهش کاربردی، تبیین و بررسی نقش قابلیت در فرایند حفاظت میدان‌های تاریخی شهری است. در پژوهش حاضر، نخست در رویکردی تحلیلی و با روش توصیفی، آرا و نظرات معتبر با محوریت مفهوم قابلیت ادراک شده بررسی شده است؛ سپس در یک فرایند استدلال منطقی، جایگاه این مفهوم در فرایند حفاظت میدان‌های تاریخی تعیین شده است. به این منظور، مفاهیم روندهای مشارکتی در حفاظت و مدیریت تغییرات با نقش محوری ذی‌نفعان از یک سو و مفاهیم ارزش، نیاز و ادراک در حوزه قابلیت ادراک شده از سوی دیگر، بررسی و رابطه میان آن‌ها مستدل شد. نتایج نشان می‌دهد که تبیین قابلیت‌های ادراک شده توسط ذی‌نفعان میدان‌های تاریخی و تفسیر آن‌ها و سپس تهیه راهبردهای اقدامی مناسب با این قابلیت‌ها و شرایط ادراک ذی‌نفعان، می‌تواند به رویکرد توصیه شده از پایین به بالا و نقش ذی‌نفعان در حفاظت از میدان‌های تاریخی کمک کند.

کلیدواژه‌ها:

حفاظت، قابلیت ادراک شده، میدان تاریخی، ارزش، فضای عمومی.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان چارچوب مفهومی حفاظت از میادین شهری تاریخی در ایران، با تأکید بر نقش و جایگاه قابلیت است که با راهنمایی نویسنده دوم در دانشگاه تهران در حال نگارش است.

** دانشجوی دکتری مرمت بناها و شهرهای تاریخی، دانشکده معماری، دانشکده‌های زیبا، دانشگاه تهران
*** استاد، دانشکده معماری، دانشکده‌های زیبا، دانشگاه تهران، نویسنده مسئول، pirouzhanachi@ut.ac.ir

پرسش‌های پژوهش

۱. نقش و اهمیت مفهوم «قابلیت ادراک‌شده» در حفاظت از یک میدان تاریخی چیست؟
۲. جایگاه و چگونگی استفاده از این مفهوم در یک فرایند حفاظتی مرتبط با میدان‌های تاریخی در ایران کجا و چگونه است؟

مقدمه

رویکردهای اخیر در حفاظت منظر شهری تاریخی، مبتنی بر مفاهیم اساسی روندهای مشارکتی و همچنین مدیریت تغییرات بنا شده است؛ روندهایی که اساس مداخلات حفاظتی را بر اعمال نظر گروه‌های ذی‌نفع و بهره‌گیری از آن‌ها در روندهای مشارکتی قرار داده است. از آنجاکه تغییرات میراث شهری در گذر زمان و با توجه به تغییر شرایط مختلف زیست انسان، از محیط و شرایط مربوط به آن گرفته تا نیازهای کاربران فضا، مفروض و پذیرفته شده است، ثابت نگه داشتن میراث شهری در یک وضعیت ثابت و بدون تغییر غیرممکن است. به همین دلیل، مدیریت تغییرات در جهت حفظ ارزش‌های میراث شهری تا حد ممکن، از اهداف اصلی حفاظت از منظر شهری تاریخی است. ازسوی دیگر، گروه‌های مختلف ذی‌نفع در یک محیط شهری تاریخی، به دو دلیل مفروض نمی‌توانند نیازهایی منطبق با همه ارزش‌های میراث شهری داشته باشند: نخست گوناگونی گروه‌های ذی‌نفع و اختلاف نیازهای آن‌ها و دیگر تغییر نیازهای مختلف گروه‌های ذی‌نفع در طول زمان است. ازسوی دیگر، حفاظت از میراث شهری، فرایند پیچیده‌ای است که در حالتی ایدئال، متضمن حفظ تمامی ارزش‌های محیط شهری، هم‌زمان با پاسخ‌گویی به نیازهای ذی‌نفعان و گروه‌های اجتماعی متعددی است که هریک به‌نحوی با محیط در ارتباط بوده و از آن استفاده می‌کنند؛ چراکه شهر خوب، وظیفه دارد نیازهای ساکنانش را با توجه به تغییرات زمان تأمین کند (مزینی ۱۳۸۵، ۲۸). بنابراین قضاوت در مورد حفاظت و موفقیت آن، همواره بر مبنای میزان موفقیت در حفظ ارزش‌های موضوع حفاظت صورت گرفته است (Hazen 2009, 169).

ادراک کاربران و ذی‌نفعان از محیط، نقش بسیار مهمی در رفتار آن‌ها نسبت به محیط و شکل‌گیری انتظارات و نیازهای آن‌ها دارد و هرچقدر که محیط برای نیازهای آن‌ها پاسخ مناسب‌تری ارائه کند، در نظر آن‌ها ارزش بیشتری نیز خواهد داشت. از آنجاکه ارزش موضوعی نسبی است و درک و تفسیر آن به‌طور مطلق امکان‌پذیر نیست، تغییرپذیری آن در گذر زمان و گوناگونی آن در ذهن ذی‌نفعان مختلف، همواره فرایندهای حفاظتی را با چالش‌های جدی در جهت دستیابی به اهداف حفاظت پایدار مواجه می‌کند. در واقع معیاری ثابت برای سنجش ارزش وجود ندارد و دارایی‌های فرهنگی باید با احترام به همه فرهنگ‌ها در زمینه فرهنگی خود بررسی شوند (رادول ۲۰۰۷، ۹۶).

میدان‌های شهری تاریخی، از جمله محیط‌های شهری عمومی‌ای هستند که علاوه بر ارزش‌های درونی، مجموعه‌ای از ارزش‌های مرتبط با زندگی و پویایی معاصر را نیز در خود داشته و علاوه بر ارزش‌های تاریخی و ارزش‌های مرتبط با فرهنگ‌های گذشته، به‌طور زنده با ارزش‌های کاربردی روز (از جمله ارزش‌های اقتصادی، علمی، مردم‌شناسی و...) نیز پیوند دارند. گروه‌های مختلف کاربران و ذی‌نفعان با مجموعه‌ای از نیازهای مختلف با میدان تاریخی روبه‌رو شده و هریک به فراخور نیاز و ادراک خود از ویژگی‌های میدان، رفتار متفاوتی را در مواجهه با محیط از خود بروز می‌دهند. بنابراین می‌توان میدان را مکانی دانست برای ملاقات گروه‌های اجتماعی که هدف آن در واقع تحریک زندگی اجتماعی است (قائدرحمتی و نجاتی ۱۳۹۸).

در حوزه روان‌شناسی محیط، مفهوم قابلیت ادراک‌شده که توسط گییسون^۱ ارائه شده است، به بررسی رفتار جانداران و محیط آن‌ها می‌پردازد. یک محیط با توجه به ویژگی‌های مختلفی که در خود دارد، قابلیت‌های مختلفی را ارائه می‌دهد که این قابلیت‌ها توسط استفاده‌کنندگان از محیط و با توجه به نیازهای آن‌ها ادراک شده و رفتار جاندار را نسبت به محیط شکل می‌دهد. به همین دلیل فهم و درک قابلیت‌های محیطی در میدان‌های تاریخی، می‌تواند بستر قابل اعتمادی را برای تبیین و درک رفتار کاربران و ذی‌نفعان پدید آورد.

در بستر شهرهای تاریخی، رویکردهای هماهنگ از پایین به بالا و همراه با احترام به ارزش‌های انسانی، منابع، مکان‌ها و جوامع موجود به‌جای رویکردهای از بالا به پایین که در پی تحمیل اندیشه‌های از پیش پذیرفته‌شده‌اند، راه‌حل‌های مناسبی برای حفاظت و باززنده‌سازی محیط‌های تاریخی شهری محسوب می‌شوند (رادول ۲۰۰۷، ۸۳). اما نتایج حاصل از مداخلات شهری در میدان‌های تاریخی ایران نشان می‌دهد که پاسخ‌گویی به نیازهای ذی‌نفعان در بسیاری از موارد، برگرفته از طرح‌های بالادستی از جمله طرح‌های تفصیلی، طرح‌های جامع شهری و حتی برنامه‌های توسعه بوده و اغلب متکی بر رفع نیازهای زندگی معاصر و بدون توجه به قابلیت‌های گوناگون میدان صورت گرفته است. برای نمونه می‌توان به پژوهش قائدرحمتی و نجاتی درباره تغییرات هویت شهری میدان امام خمینی (توپخانه) تهران اشاره کرد که عدم مدیریت صحیح قابلیت‌ها، منجر به از بین رفتن مرکزیت میدان و کم شدن امکان تعاملات اجتماعی، فکری، آسایش و آرامش شده است (قائدرحمتی و نجاتی ۱۳۹۸). پژوهش‌های دیگر بر روی میدان‌های تاریخی شهری در ایران نیز نتایج مشابهی را حاصل کرده‌اند؛ از جمله در مورد میدان مشق تهران موضوع عدم امکان بهره‌مندی همه افراد از فضا، اصلی‌ترین ضعف طرح‌های ارائه‌شده بر روی این میدان است (فنی و شیرزادی ۱۳۹۷). در مورد میدان امام بندرانزلی، نبود حمل‌ونقل عمومی و در نتیجه دسترسی مناسب به فضا (کریمی آذری و طورانداز ۱۳۹۷) و در میدان صاحب‌الامر تبریز نیز عدم استفاده مناسب از ابعاد کالبدی فضا (هاشم‌پور، نژادابراهیمی، و یزدانی ۱۳۹۷) مشکلات اصلی مدیریت و حفاظت این میدان‌ها شمرده شده است. نکته مهم دیگر این است که در میدانی که قابلیت‌های تاریخی میراثی بیشتری داشته‌اند، از جمله میدان گنجعلی‌خان کرمان و میدان نقش جهان اصفهان، مداخلات معاصرسازی در حداقل ممکن بوده است. اگرچه این اقدامات موجب حفاظت بخش زیادی از ارزش‌های میراثی این میدان‌ها شده، قابلیت‌های مربوط به زندگی معاصر در آن‌ها (مانند قابلیت برگزاری مراسم عمومی و مشارکت‌های اجتماعی معاصر) به‌خوبی پرداخته نشده و مورد استفاده قرار نگرفته است؛ درحالی که چنین فضاهایی قابلیت‌های بیشتری برای تبدیل شدن به مکان عمومی موفق دارند (صادقی و احمدی، ۱۳۹۶).

این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که در طرح‌های حفاظت میدان‌های تاریخی در ایران، به‌جای فهم ادراک ذی‌نفعان و کاربران از قابلیت‌های ادراک‌شده میدان و برنامه‌ریزی برای پاسخ‌گویی مناسب به این ادراک و مدیریت اطلاعات منجر به ادراک ذی‌نفعان، الگوهای ازپیش‌تعیین‌شده و با رویکرد از بالا به پایین در حفاظت و باززنده‌سازی میدان‌های تاریخی به کار گرفته می‌شود. اغلب این الگوها نیز در طرح‌های بالادست مانند طرح‌های تفصیلی و جامع و بدون دخالت گروه‌های مختلف ذی‌نفع تصویب می‌شوند؛ در صورتی که مفهوم «قابلیت ادراک‌شده» می‌تواند مجموعه ادراک ذی‌نفعان گوناگون را تبیین، تشریح و دسته‌بندی کرده و برای هر کدام از آن‌ها، بسته به نوع آن اقدام مناسب را طراحی کرده و آن را به‌سمت حفظ ارزش‌های میدان هدایت کند.

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی اهمیت به‌کارگیری مفهوم «قابلیت ادراک‌شده» در فرایند حفاظت از میدان‌های تاریخی است؛ چراکه با توجه به ارتباط موضوعات معماری تاریخی (در این پژوهش میدان‌های تاریخی) و ادراک کاربران آن‌ها در طول زمان، همچنین اهمیت این مفهوم در تصمیم‌گیری‌های حفاظتی، تعیین جایگاه آن می‌تواند نقش مهمی در پویاسازی و پایدار شدن فرایندهای حفاظتی ایفا کند. هدف دیگر این پژوهش، تعیین و تبیین جایگاه این مفهوم در یک مدل مفهومی، به‌عنوان بخشی از فرایندهای حفاظتی است؛ به‌گونه‌ای که بتوان مدل مذکور را در یک فرایند حفاظتی مرتبط با میدان‌های تاریخی در ایران به کار گرفت.

۱. پیشینه پژوهش

مطالعات مربوط به حفاظت منظر شهری تاریخی، به‌طور عام متمرکز بر شهر، مفهوم شهر و روش‌های مداخلات حفاظتی در شهرهای تاریخی در کلیت آن بوده‌اند که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به مطالعات دنیس رادول^۲، فرانچسکو باندارین^۳ و رون ون اوئرز^۴ اشاره کرد (باندرین، و ون اوئرز ۲۰۱۲؛ رادول ۲۰۰۷). پولس و همکاران در پژوهشی درباره راهبردهای نوظهور برای معاصرسازی مکان‌های شهری تاریخی، هفت محرک کلیدی را بررسی کرده‌اند که نتایج قابل

توجهی را در بر داشته است (Pulles et al. 2023). این هفت محرک عبارت‌اند از: ۱. مشارکت کاربران؛ ۲. نگاه از بالا به پایین؛ ۳. اماکن غنی؛ ۴. پایداری و استفاده مجدد؛ ۵. تبدیل و دگرگونی؛ ۶. بافت شهری؛ ۷. کیفیت زندگی. نتایج پژوهش مذکور نشان داده که از میان این عوامل، مشارکت کاربران بالاترین تأثیر مثبت و نگاه از بالا به پایین بیشترین تأثیر منفی را بر فرایندهای معاصر سازی داشته است. این نتایج بر اهمیت نیازها و خواسته‌های کاربران و تأثیر آن‌ها بر طرح‌های حامل بر بافت‌های تاریخی شهری تأکید می‌کند. پوربهادر و برینکایسن نیز پنج اصل مهم برای مدیریت میراث و تداوم ارزش‌های میراث فرهنگی را از میان اسناد بین‌المللی چنین برگزیده و بررسی کرده‌اند: ۱. افزایش آگاهی؛ ۲. تشویق به مشارکت؛ ۳. توسعه پایدار؛ ۴. مدیریت تغییرات؛ ۵. نظارت دائمی و جاری بر میراث (Pourbahador and Brinkhuijsen 2023).

در حوزه محیط‌های ساخته‌شده نیز عبدالفتاح علوه و همکاران، ابزاری کمی برای اندازه‌گیری میزان پاسخ‌گویی فضای عمومی به نیازهای کاربران ارائه کرده‌اند (Alwah et al. 2021). آن‌ها نیازهای کاربران را در شش گروه آسایش و آرامش، ایمنی و سلامت، دسترسی‌پذیری فیزیکی، بصری و نمادین، تعلق به فضا، تعاملات اجتماعی، و کشف و یادگیری دسته‌بندی کرده‌اند که مجموعه این نیازها را نیز می‌توان تحت هرم نیازهای مازلو بررسی کرد (Ibid). قابلیت ادراک‌شده در معنای اطلاعات منجر به ادراک محیط را و همچنین اطلاعاتی برای ادراک آنچه محیط ارائه می‌دهد، ابتدا توسط جیمز گیبسون ابداع شد (باقری طالقانی ۱۳۹۳). این مفهوم در ابتدا در حوزه روان‌شناسی محیط کاربرد فراوان یافته و پس از آن به سرعت به حوزه‌های دیگر از جمله طراحی محصولات صنعتی و طراحی معماری راه یافت. اهمیت این مفهوم در بررسی رابطه میان محیط و کاربر، موجب شد تا جایگاه آن در حوزه معماری و مطالعات محیط‌های انسان‌ساخت نیز تثبیت گردد (دانشگر مقدم و اسلام‌پور ۱۳۹۱؛ محمدی، ندیمی، و ثقفی ۱۳۹۶). در حوزه بافت‌های ارگانیک شهری نیز رابطه مطالعات محیط-رفتار و طراحی از جمله در ایران و در محله چیدر بررسی شده است (اسلامی مجاوری، انصاری، و عینی فر ۱۴۰۲).

باینکه میدان‌های شهری تاریخی نیز به‌عنوان محیط‌های انسان‌ساخت از قابلیت‌های ادراک‌شده بسیاری برخوردارند که می‌توانند در مدیریت و حفاظت از آن‌ها نقش مهمی داشته باشند، رابطه این قابلیت‌ها و فرایندهای حفاظتی تاکنون بررسی نشده است.

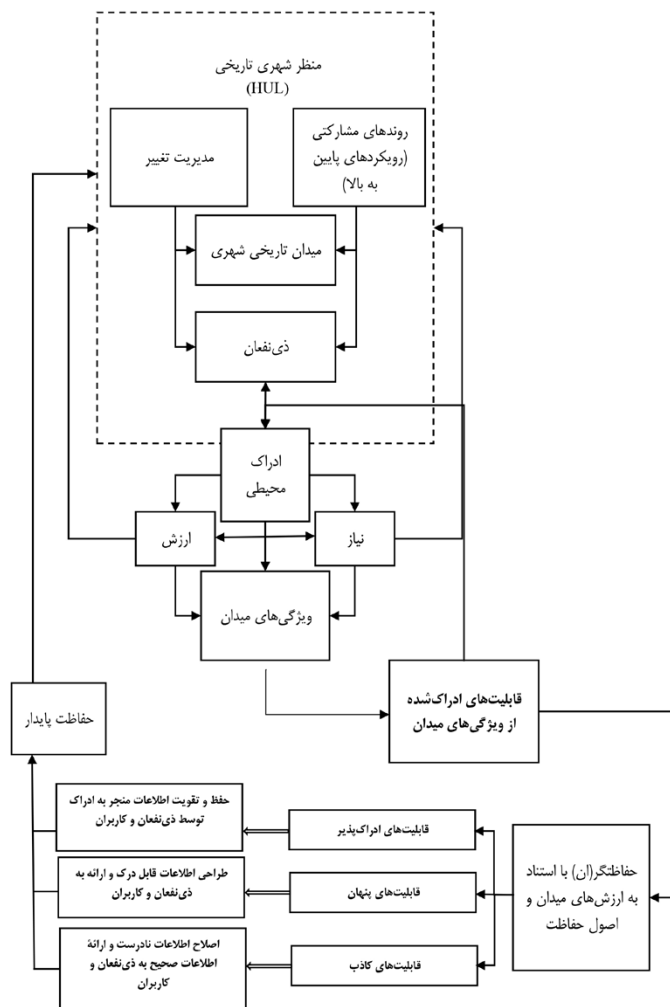
۲. چارچوب نظری و روش پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی است و هدف آن بررسی نقش قابلیت ادراک‌شده در فرایند حفاظت میادین تاریخی شهری و دستیابی به مدلی مفهومی است که بتوان آن را در جهت ارتقای مداخلات حفاظتی در میدان‌های تاریخی ایران به کار گرفت. روش پژوهش در این رساله، تدوین یک مدل مفهومی با استفاده از تفسیر و تحلیل داده‌های نظری و استدلال استنتاجی در جهت جای‌گذاری و استفاده منطقی از هر کدام از آن‌ها در مدل مفهومی است. برای این منظور ابتدا آرا و نظرات معتبر در محوریت موضوع قابلیت ادراک‌شده و سپس مفاهیم اساسی مشترک میان قابلیت و فرایند حفاظتی همچون ارزش، نیاز و کیفیت بررسی و تحلیل شده‌اند. برای دستیابی به این هدف از مطالعات اسنادی و میدانی و کتابخانه‌ای و روش تحلیلی توصیفی استفاده شده است. سپس در رویکردی تحلیلی-استنتاجی رابطه میان مفاهیم توصیف‌شده تبیین گردیده و در نهایت در یک فرایند استدلال منطقی، جایگاه مفهوم قابلیت ادراک‌شده در فرایند حفاظت میدان‌های تاریخی شهری تعیین و تبیین شده است.

در این مسیر، مفاهیم مرتبط در حوزه حفاظت میراث شهری تاریخی و به‌طور خاص میدان‌های تاریخی، استخراج شده و مورد بررسی قرار گرفته است. حضور گروه‌های متنوع ذی‌نفع در میدان‌های تاریخی و رویکردهای مشارکتی با تأکید بر جهت اقدام از پایین به بالا، مفهوم روند مشارکتی را در یک میدان تاریخی مؤکد می‌کند. ازسوی دیگر، گروه‌های ذی‌نفع در دو جهت طول زمان و عرض جغرافیا، دچار تغییرند و هم‌زمان بر روی میدان تاریخی و ویژگی‌های آن نیز تأثیر می‌گذارند؛ ازاین‌رو این دو عامل به‌طور مستقیم وابسته به رفتار گروه‌های ذی‌نفع در میدان تاریخی به‌عنوان

بخشی از منظر شهری تاریخی هستند. رفتار گروه‌های ذی‌نفع نیز وابسته به ادراک آن‌ها از محیط است. این ادراک همواره تحت‌تأثیر دو عامل نیازهای آن‌ها و ویژگی‌های ارائه‌دهنده قابلیت‌های ادراک‌شده در محیط است. بنابراین رابطه میان سه مؤلفه ویژگی‌های میدان، نیازهای کاربران و ارزش‌های حاصل از پاسخ‌گویی به نیازها منجر به ادراک قابلیت‌هایی از محیط می‌شود که در گروه‌های مختلف ذی‌نفع متفاوت است.

با توجه به اهمیت مشارکت کاربران و ذی‌نفعان در روندهای حفاظتی، به‌خصوص حفاظت از میراث شهری عمومی و میدان‌های تاریخی، مفهوم قابلیت ادراک‌شده و ارتباط آن با ادراک کاربران میدان‌های تاریخی نیز با روش ذکرشده مورد بررسی و تفسیر قرار گرفته و مفاهیم اصلی آن که به ساختار نظری پژوهش کمک می‌کند، ارائه گردیده است. از آنجا که قابلیت‌های ادراک‌شده یک فرایند ادراکی پویا هستند و رابطه افراد و محیط‌های ساخته‌شده در آن‌ها در طول زمان توسعه می‌یابد، هر فرد اطلاعات موجود در محیط را برداشت کرده و امکان‌پذیری‌های عملی پیشنهادشده توسط این اطلاعات را ادراک می‌کند؛ در نتیجه قابلیت‌های ادراک‌شده به دانشی تبدیل می‌شوند که می‌توانند رابطه میان فرد و محیط ساخته‌شده را پشتیبانی کنند (تصویر ۱). از این‌رو استدلال منطقی به‌عنوان روش محوری در ارائه مدل مفهومی شناسایی ادراک کاربران و ذی‌نفعان از میدان‌های تاریخی به کار گرفته شده است.



تصویر ۱: مدل مفهومی پژوهش

۳. قابلیت ادراک شده

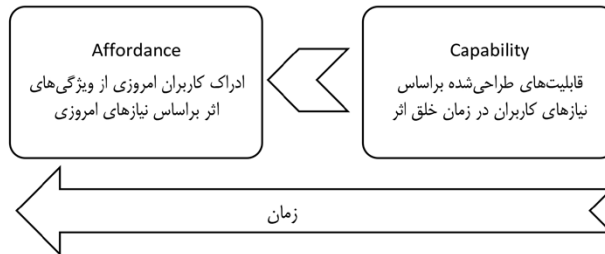
رویکردهای دهه‌های ۶۰ و ۷۰ در پژوهش‌های مربوط به محیط و رفتار، اهمیت بیشتری را برای توسعه پایدار محیطی و مشارکت مردم در نظر گرفته و ایجاد ارتباط فردی و جمعی میان مردم و محیط‌زیست را مبنای کیفیت محیطی قرار داد (Motalebi 2006, 61). پس از آن در اوایل دهه ۸۰، «قابلیت ادراک‌شده محیط» به عنوان مفهومی کلیدی و پرکاربرد، در مطالعات محیط و رفتار مورد توجه قرار گرفت که تمامی این مطالعات در پیگیری مفهومی کلی با عنوان «کیفیت زندگی در محیط انسان‌ساخت» و ضرورت بررسی قابلیت‌های محیط انسان‌ساخت مشترک‌اند (دانشگرمقدم و اسلام‌پور ۱۳۹۱).

«افردنس» واژه‌ای انگلیسی است که معادل دقیق فارسی ندارد. این واژه را نخست جیمز گیbson، روان‌شناس ادراک، برای ویژگی‌ها و خصوصیت‌های کنش‌پذیر میان محیط و جاندار به کار برد (باقری طالقانی ۱۳۹۳). به طور کلی، افردنس به معنای قابلیت است که توسط یک موجود جاندار، از اشیا و محصولات معین و براساس سه مولفه اصلی «ویژگی‌های فیزیکی محصول»، «نیات و ارزش‌های کاربر» و همچنین «تأثیر محیط و عوامل محیطی» درک و دریافت می‌شود. (همان) در واقع بهترین و کوتاه‌ترین عبارت فارسی برای افردنس «قابلیت ادراک‌شده» است که می‌توان به کار برد (همان). از سوی دیگر، قابلیت ادراک‌شده علت رفتار نیست، بلکه آن را مجبور یا کنترل می‌کند (Gibson 1982, 411). به عبارت دیگر، روش‌های انسان (جاندار) برای به کارگیری یک قابلیت از محیط است که باعث به وجود آمدن فعالیت می‌شود (نقدبیشی و دیگران ۱۳۹۵).

۴. افردنس و قابلیت

واژه‌های «توانش» یا «قابلیت» ترجمه ناقصی از واژه انگلیسی افردنس هستند. قابلیت در فارسی به معنای «ویژگی» یا «عملکرد» نیز به کار می‌رود؛ اما قابلیت ادراک‌شده محیط در معنای افردنس در واقع توانایی تأمین فرصت‌هایی است برای عملکرد استفاده‌کنندگان (Good 2007, 82)، درحالی‌که ویژگی یا عملکرد، معنایی متفاوت داشته و بیشتر در مفهوم فرم‌ها یا حالت‌های از پیش تعیین و طراحی‌شده برای کاربردهای معین و مشخص است. در واقع قابلیت (Capability) یک ویژگی از یک منبع (ملموس یا ناملموس) است که دارای پتانسیل عمل یا تعامل است و برای استفاده‌کننده ارزشی را از طریق یک فرایند تحول تولید می‌کند؛ در صورتی که افردنس، چنان که گفته شد، قابلیت است که موجودیت آن وابسته به ادراک جاندار است و برای توصیف تعامل اشیا با مردم و پیامدهای طراحی‌اشیای ساخته‌شده توسط انسان است (Michell 2012). به همین دلیل در ترجمه فارسی معادل کلمه افردنس، از واژه ترکیبی «قابلیت ادراک‌شده» استفاده می‌شود.

در موضوع حفاظت میراث معماری، مسئله کاربری اولیه بنا و کاربری‌هایی که در طول زمان تا به امروز به آن اختصاص داده شده، از اهمیت بسیاری برخوردار است؛ زیرا یکی از الزامات حفاظت از میراث معماری، زندگی مفید در جامعه امروزی و ضمانت حضور بنا در زیست مردمان مرتبط با آن است. بنابراین کاربری‌های آن را می‌توان به دو بخش اصلی تقسیم کرد: نخست کاربری اولیه آن که با توجه به نیازهای زمان ساخت به آن اختصاص داده شده و قابلیت‌هایی برای پاسخ‌گویی به این نیازها در آن طراحی شده است (Capabilities). از سوی دیگر پس از گذشت زمان، قابلیت‌های اولیه (Capabilities) با توجه به تغییر نیازها در موارد بسیاری موضوعیت خود را از دست داده و با توجه به ادراک مخاطبان و ذی‌نفعان اثر معماری در هر زمانی، تغییر می‌کنند. از آنجاکه این قابلیت‌های جدید با توجه به ادراک مخاطبان از یک سو و ویژگی‌های مختلف (از جمله کالبدی و معنایی و...) تغییر می‌کنند، تحت مجموعه افردنس قابل بررسی هستند (تصویر ۲).



تصویر ۲: افردنس (قابلیت ادراک‌شده) و قابلیت (Capability) در یک اثر تاریخی

اگرچه در بسیاری از متون فارسی از خود واژه افردنس (گاهی به صورت «افوردنس») استفاده شده است، در برخی متون و فرهنگ‌های لغت آنلاین، واژه «استطاعت» نیز برای آن به کار رفته است. از آنجاکه واژه استطاعت در فقه کاربرد بسیاری داشته و در معنای توانایی مالی به وفور به کار رفته است، تداخل معنی موجب می‌شود که نتوان از آن در پارادایم حفاظت استفاده کرد. واژه دیگری که می‌تواند جایگزین فارسی مناسبی برای افردنس باشد، واژه «کنش‌مایه» است. این واژه پیشنهاد یکی از کاربران دیکشنری آنلاین آبادیس، ذیل واژه Affordance است و در جای دیگری استفاده نشده است. به نظر می‌رسد این واژه با توجه به تعریف گیسون و اینکه افردنس ادراک جانور (انسان) از ویژگی‌هایی از محیط است که می‌تواند باعث کنش او شود، واژه مناسبی برای جایگزینی برای لغت «افردنس» باشد. با وجود این در این مقاله، طبق روال معمول منابع فارسی، در عنوان‌ها و شروع هر مبحث از واژه قابلیت ادراک‌شده استفاده شده و در تمام موارد دیگری که واژه «قابلیت» به تنهایی به کار رفته، منظور همان «قابلیت ادراک‌شده» یا افردنس است، مگر اینکه واژه (Capability) در مقابل آن آورده شده باشد.

۵. قابلیت (ادراک‌شده) محیط

محیط‌ها همواره در حال تغییرند، اما غنی از اطلاعات‌اند؛ به این معنا که بسیار بیشتر از چیزی که دیده می‌شوند حاوی معنا هستند (Bell et al. 2005, 2). در واقع محیط‌ها مجموعه‌هایی هستند که از توانش‌ها و قابلیت‌ها سازمان یافته‌اند. محیط عملکرد کاربران، همواره با هدف شناخت ارتباط میان متغیرهای محیط و متغیرهای عملکرد کاربر مطالعه می‌شود (باقری طالقانی ۱۳۹۳)؛ بنابراین محیط‌ها، همواره در درون خود قابلیت‌هایی (در مفهوم افوردنس) دارند که به ادراک توسط کاربر محیط وابسته‌اند و قابلیت‌های ادراک‌شده محیط نامیده می‌شوند. با این حال در متون و پژوهش‌های مربوط به روان‌شناسی محیط، قابلیت‌های ادراک‌شده محیط به طور خلاصه «قابلیت محیط» گفته می‌شود.

قابلیت ادراک‌شده محیط در تعریفی دیگر، در واقع شناختی است از محل زیست انسان، برای پاسخ‌گویی به نیازهای او و به فعلیت رساندن هستی وجودی‌اش، تا با شناخت این قابلیت‌ها و چگونگی تعامل انسان با آن‌ها، فرایند آفرینش و طراحی فضا تسهیل و غنی گردد (دانشگرمقدم و اسلام‌پور ۱۳۹۱). به عبارت بهتر، نقش «قابلیت»‌ها در فرایند طراحی محیط، در نظر گرفتن فعالیت‌های ممکن و امکان‌پذیر کاربر و ارائه راه‌حل مناسب از سوی محیط است (Liu and Lu 2009, 43). به این ترتیب شناخت قابلیت‌های ادراک‌شده محیط و نقش آن‌ها در یک فضای عمومی (میدان تاریخی) می‌تواند به شناخت و درک بهتر نیازهای انسان به عنوان استفاده‌کننده از فضا کمک کرده و از سوی دیگر، ارزش‌های حاصل از پاسخ محیط به این نیازها را تبیین و تفسیر نماید.

جیمز گیسون، داندل نورمن^۷ و ویلیام گیور^۸ از مهم‌ترین نظریه‌پردازانی هستند که مطالعاتی را در حوزه قابلیت و ادراک آن داشته‌اند. گیسون معتقد است که قابلیت ادراک‌شده محیط ثابت است و براساس نیاز مشاهده‌کننده تغییرپذیر نیست، بلکه پدیده‌ای است که با ماهیت زیست‌محیطی در طبیعت وجود دارد (محمدی، ندیمی، و ثقفی ۱۳۹۶). از نظر

گیسون، قابلیت‌های ادراک‌شده از تجربیات و فرهنگ افراد مجزا هستند، اما در بسیاری از موارد، تجارب قبلی، اعمال و تعاملات درون یک محیط را به هم شبیه می‌کند.

دونالد نورمن نیز چندین راهبرد را در مورد اینکه یک شیء چه چیزهایی را باید و چه چیزهایی را نباید برآورده کند بیان کرد. نورمن از تعریف گیسون فاصله گرفته و معنای قابلیت ادراک‌شده را هم به ویژگی‌های حقیقی و هم به ویژگی‌های ادراکی اشیاء معطوف دانسته است. وی ادراک هر فرد را، با همه پیش‌داوری‌های شخصی و فرهنگی‌اش، مؤلفه‌ای از قابلیت‌های ادراک‌شده دانست. به تعبیری دیگر، گیسون قابلیت‌ها را به توانمندی‌های عملی موجودات ربط می‌دهد، درحالی‌که نورمن تأکید بر توانمندی‌های ذهنی و ادراکی کاربر دارد (Norman 1988).

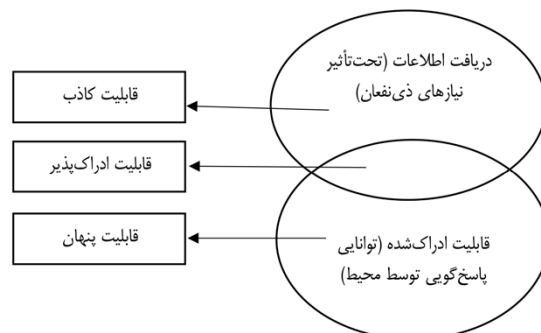
در این میان، ویلیام گیور نیز همانند گیسون معتقد است که قابلیت‌ها (به معنی امکان‌پذیری یک عمل در یک محیط که امکان آن برای موجودات فراهم است) از ادراک مخاطبان محیط جدا بوده و خواه مشاهده‌کننده آن را درک کند و یا نه، در ذات محیط موجود است. گیور همچنین معتقد است که فرهنگ، تجربه و یادگیری در درک حقیقی قابلیت‌ها مؤثر است و این درک، تا حدود زیادی با فرهنگ، پیشینه اجتماعی تجربیات و مقاصد کاربران مشخص می‌شود. از این رو با توجه به ترکیب وجود قابلیت و درک آن و ارتباط میان آن‌ها سه دسته قابلیت ادراک‌شده را در محیط پیشنهاد می‌دهد که عبارت‌اند از: قابلیت‌های ادراک‌پذیر، قابلیت‌های کاذب و قابلیت‌های پنهان (Gaver 1991).

گیور در کتاب افوردنس تکنولوژی (۱۹۹۱)، قابلیت را از قوه درک جدا کرده است (برخلاف گیسون که قابلیت را وابسته به ادراک جاندار می‌داند) او معتقد است که قابلیت چه توسط جاندار ادراک بشود و چه نشود، در اشیاء و محیط وجود دارد. وی سپس بسته به اینکه اطلاعات وجود داشته باشد، وجود نداشته باشد و یا اطلاعات مغایر با توانایی عمل در شیء یا محیط وجود داشته باشد، قابلیت‌های ادراک‌شده را به سه گروه ذکر شده تقسیم می‌کند. این تقسیم‌بندی مدل مناسبی برای ادراک قابلیت‌های حاصل از ویژگی‌های یک میدان تاریخی است؛ چراکه ویژگی‌های میدان فارغ از درک قابلیت‌های ادراک‌شده آن توسط مخاطبان موجود است و با تغییر مخاطبان و نیازهای آن‌ها تغییر نمی‌کند؛ بلکه وجود اطلاعات مربوط به آن‌ها و نحوه دریافت این اطلاعات توسط ذی‌نفعان و مخاطبان، قابلیت‌های ادراک‌شده سه‌گانه را ایجاد می‌کند (تصویر ۳).

ارتباط هر کدام از این قابلیت‌های ادراک‌شده با میدان تاریخی را می‌توان به‌طور خلاصه چنین تبیین کرد:

۵. ۱. قابلیت ادراک‌پذیر^۹: که در آن قابلیت وجود داشته و قابل درک نیز هست. مانند یک لیوان آب که قابلیت نوشیدن دارد و درک‌پذیر نیز هست. در محیط‌های تاریخی نیز قابلیت‌های بسیاری وجود دارد که به‌طور معمول برای مخاطب قابل درک و دریافت است. برای مثال، قابلیت ثبت خاطره از طریق عکاسی بر مبنای ویژگی‌های یادمانی یک میدان تاریخی و یا قابلیت مکث و کسب تجربه بصری زیباشناختی از طریق ویژگی‌های کالبدی و بصری، در برخی از میدان‌های تاریخی ادراک‌پذیرتر از سایر آن‌هاست و ممکن است در برخی این‌گونه نباشد.

۵. ۲. قابلیت کاذب^{۱۰}: قابلیت در محیط وجود ندارد، اما اطلاعاتی کاذب وجود دارد که منجر به درک کاذب از وجود این قابلیت می‌شود. مانند یک صندلی مقوایی شبیه به صندلی چوبی که اطلاعات نشستن را دارد، اما قابلیت نشستن را ندارد. شاید معمول‌ترین مثال برای چنین قابلیت‌هایی در یک میدان تاریخی، قابلیت پارک خودرو یا موتورسیکلت باشد. گستردگی فضا و باز بودن مسیرها اطلاعات کاذبی را به مخاطب در مورد امکان پارک خودرو می‌دهد که در بسیاری از میدان‌ها با توجه به ویژگی‌های مختلف تاریخی، بصری و... و ارزش‌های حاصل از آن می‌تواند قابلیت کاذب محسوب شود. بدیهی است شایسته‌ترین گروه برای تشخیص کاذب بودن یا نبودن چنین قابلیت‌هایی و همچنین درست و یا نادرست بودن ادراک مخاطبان در چنین شرایطی متخصصان حفاظت هستند؛ چراکه تسلط بیشتری بر ویژگی‌های اثر از یک سو و ارزش‌های مختلف آن از سوی دیگر دارند. از سوی دیگر، بررسی نیازهای مخاطبان نیز به متخصص حفاظت در مدیریت قابلیت‌های کاذب کمک بسیاری خواهد کرد.



تصویر ۳: تقسیم‌بندی قابلیت‌های ادراک‌شده میدان تاریخی با استفاده از تعریف گیور و ارتباط آن با ادراک‌دی‌نفعان

۵. ۳. قابلیت پنهان^{۱۱}: قابلیت وجود دارد، اما اطلاعات ادراکی در محیط وجود ندارد و غیرقابل درک است؛ مانند یک در مخفی در یک اتاق. برای مثال ممکن است در یک میدان تاریخی قابلیت‌هایی همچون گردهمایی‌های اجتماعی و یا فعالیت‌های اقتصادی و... وجود داشته باشد، اما به هر دلیلی برای مخاطبان و ذی‌نفعان و استفاده‌کنندگان از میدان قابل ادراک نباشد. در چنین مواردی نیز مطالعه، دسته‌بندی و اولویت‌بندی این قابلیت‌های ادراک‌شده توسط متخصصان می‌تواند منجر به ارائه راه‌حل‌هایی برای تقویت و آشکارسازی و قابل ادراک شدن این قابلیت‌ها کمک کند.

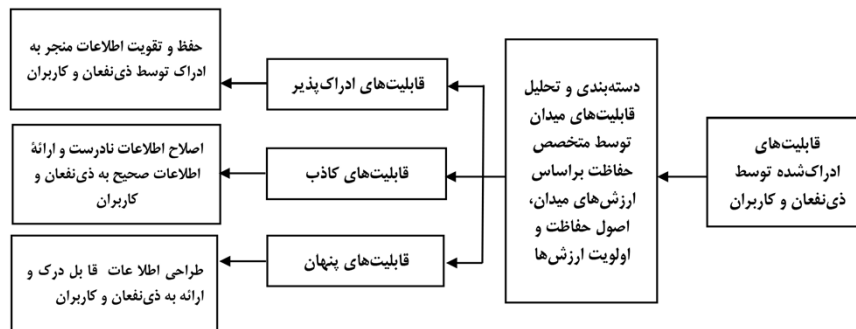
۶. نقش حفاظتگر در تعیین و طبقه‌بندی قابلیت‌های ادراک‌شده با استفاده از تعریف گیور

در تصمیم‌گیری‌های حفاظتی، اگر چه ارجاع به نظر ذی‌نفعان و کاربران اثر اصلی کلیدی است، تن دادن به تمام نظرات اکثریت و یا گروه کثیری از کاربران، ممکن است منجر به اثر تم پارک شود (ویناس ۱۳۹۷، ۱۵۴). بنابراین همان‌گونه که از یک سو مرمت کاملاً علمی و بر پایه تئوری‌ها و دانش صرف حفاظتگر می‌تواند تهدید محسوب شود، از سوی دیگر محول کردن مسئولیت به‌طور کامل به مردم و اجرای بی‌کم‌وکاست نظرات آن‌ها نیز برای حفاظت اثر تهدید خواهد بود؛ چراکه تصمیم‌ها بر پایه اولویت‌های مردم بوده و به سایر ملاحظات حفاظتی مورد کم‌توجهی و یا حتی بی‌توجهی قرار خواهد گرفت. در هر دو مورد حفاظت علمی محض و حفاظت عوامانه، نقش حفاظتگر تنها به‌صورت یک کاربر حفاظتی و با مسئولیت‌های تکنیکی کم خواهد بود.

بنابراین دو گروه از ذی‌نفعان، وزن رأی بالاتری نسبت به سایر ذی‌نفعان خواهند داشت: گروه اول آیندگان به‌عنوان صاحبان اصلی موضوعات حفاظت هستند که حفاظت با هدف اصلی انتقال میراث فرهنگی به آن‌ها بر روی آثار صورت می‌گیرد. رأی این گروه قابل دستیابی نبوده و اقدام حفاظتی با استناد به رأی گروه آیندگان (به‌علت انقطاع زمانی و با توجه به پارادوکس محمول سابی نلسون گودمن) قابل اثبات و تأیید نیست. گروه دوم، متخصصان حفاظت هستند، به‌خصوص آن‌ها که در مورد موضوع مورد حفاظت پژوهش‌های کامل داشته و به مجموعه ارزش‌های آن‌ها واقف‌اند (همان، ۱۵۵).

موضوع توجه به نیازهای ذی‌نفعان در میدان تاریخی و برنامه‌ریزی برای ارتقای کیفیت آن (که چنان‌که پیش‌تر گفته شد، وابسته به توانایی میدان در پاسخ‌گویی به نیازهای ذی‌نفعان و کاربران است) در موارد بسیاری با حفاظت از ارزش‌های میدان (ارزش‌هایی که فراتر از درک گروه‌های زیادی از ذی‌نفعان بوده و گاهی تنها توسط متخصصان مرمت - آن‌هم تنها متخصصانی که بر روی میدان نمونه پژوهش کرده و دارای آگاهی تخصصی کافی از آن هستند - قابل تفسیر و درک هستند) در تقابل و تعارض خواهد بود. برای مثال، نیاز به نصب تابلوی مغازه‌ها در میدان از سوی مغازه‌داران که منجر به ادراک قابلیت نصب تابلو بر روی دیوارها و یا ستون‌های میدان در ذهن آن‌ها می‌گردد، در تعارض با حفظ ارزش‌های بصری، کالبدی، مواد و مصالح، اصالت و... در میدان خواهد بود؛ از این رو لازم است تا معیاری برای دسته‌بندی ارزش‌ها براساس تعارض یا عدم تعارض با ارزش‌های میدان و اصول حفاظت میراث معماری وجود داشته باشد.

بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که متخصصان مرمت که مسئول طراحی مرمت و حفاظت یک میدان تاریخی بوده و آگاهی و مطالعه کافی بر روی مجموعه ارزش‌های میدان از یک سو و اصول حفاظت میراث معماری از سوی دیگر را دارند، می‌توانند مرجع و معیاری مناسب برای تفکیک قابلیت‌هایی باشند که توسط ذی‌نفعان مختلف در گروه‌های مختلف ادراک شده‌اند (تصویر ۴).



تصویر ۴: نقش حفاظتگر در فرایند تحلیل و بررسی قابلیت‌های ادراک شده و تصمیم‌گیری در مورد آن‌ها

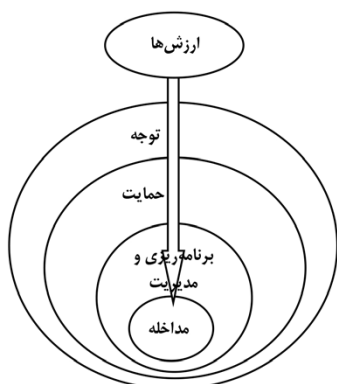
۷. ارزش و نیاز

ارزش به‌طور مستقیم با نیازهای انسان در ارتباط است و نیاز به‌طور عمومی حالتی است درونی در یک فرد که او را در جهت دستیابی به نتیجه‌ای مطلوب وادار به انجام عملی می‌کند (اختیاری ۱۳۹۱). کارل راجرز اعمال و رفتار یک ارگانیسم را ناشی از توجه و تمرکز آن بر روی یک هدف برای برآوردن نیازهایش می‌داند؛ توجهی که ناشی از ادراک او در میدان ادراکی زندگی است (سیاسی ۱۳۶۷، ۲۲۴). از این رو بررسی ارزش‌ها منوط به موقعیت و شرایط است و معیار ارزیابی یک ارزش در نتایج آن نهفته است. بنابراین ارزش، به‌طور مستقیم با نحوه پاسخ‌گویی به نیازهای کاربران در ارتباط است. یک اثر زمانی برای یک کاربر (ذی‌نفع) ارزشمند است که بتواند برای حداقل بخشی از نیازهای وی پاسخ شایسته و لازم داشته باشد. از آنجاکه نیاز مرتبط با توقعات کاربر از محیط است، لزوماً تمامی نیازهای ذی‌نفعان در یک محیط تاریخی قابل پاسخ‌گویی نیست؛ زیرا همه آن‌ها منطبق با قابلیت‌های ادراک شده محیط نیستند. برای مثال ادراک فعالان اقتصادی و صاحبان مغازه‌های داخل میدان نقش جهان اصفهان از کالبد میدان و قابلیت‌های آن، با ادراک گردشگران متفاوت است. به همین دلیل ارزش کالبد میدان نیز در نظر این دو گروه متفاوت خواهد بود. در صورتی که تخریبی توسط کسی در میدان نقش جهان اصفهان صورت بگیرد، از طرف ساکنان و صاحبان مغازه‌های دیگر نیز مقابله صورت خواهد گرفت، چراکه نیاز جمعی به رونق اقتصادی کل مجموعه در این میدان بسیار بیشتر از برای مثال میدان امام خمینی در تهران است.

قابلیت‌های ادراک شده محیط بسته به اینکه چگونه از نظر کاربران درک و تفسیر شوند، می‌توانند به‌طور مستقیم با نیازهای کاربران مرتبط بوده و حتی بر روی آن‌ها تأثیر بگذارند. از سوی دیگر، انسان همواره در محیط سعی در تغییر سطوح و ویژگی‌های محیط دارد تا بتواند قابلیت‌های آن را بر نیازهای خود منطبق کند (Gibson 1986). در واقع قابلیت‌هایی که توان پاسخ‌گویی به بخشی از نیازهای کاربران را داشته باشند، ایجاد ارزش می‌کنند و آن‌هایی که نداشته باشند دستخوش تغییر می‌شوند. برای مثال اگر نیاز به پارک خودرو در یک فضای عمومی وجود داشته باشد، این فضا در صورت داشتن قابلیت پارک خودرو برای مخاطب ایجاد ارزش خواهد کرد. همین مسئله باعث می‌شود تا در محیط‌های تاریخی که قابلیت پارک خودرو وجود ندارد و یا این قابلیت وجود داشته اما در تعارض با دیگر قابلیت‌های محیط قرار می‌گیرد، (برای مثال تقابل با قابلیت انتقال پیام‌های بصری زیباشناختی، فرهنگی و تاریخی) موضوع تفکیک و تعیین ارزش‌ها و نیازها با مشکل روبه‌رو شود. به همین دلیل کشف، تحلیل و طبقه‌بندی ادراک کاربران در یک میدان تاریخی،

به متخصصان حفاظت این امکان را می‌دهد که بتوانند راه‌حل‌های مقتضی را برای مدیریت نیازها و ادراکات کاربران میدان با توجه به قابلیت‌های آن‌ها ارائه دهند.

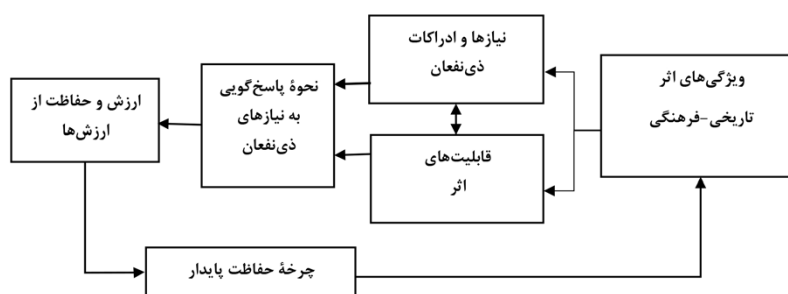
ارزش‌های مختلف میراث‌فرهنگی نیز در همهٔ وجوه آن (از جمله میراث معماری و شهری) و حفاظت از آن‌ها، همچنان مورد تأکید است. بیلسکی و شوارتز ارزش را این‌گونه تعریف می‌کنند: «ارزش‌ها مفاهیم یا اعتقاداتی پیرامون رفتار یا حالت‌های مطلوبی هستند که به وضعیت‌های خاصی برتری داده، انتخاب یا ارزیابی از رفتار و رویدادها را هدایت کرده و با اهمیت نسبی‌شان، سازمان‌دهی می‌شوند» (قره‌بگلو، مطلبی، و صبا ۱۳۹۸). بنابراین ارزش و توجه به آن، یکی از عوامل تعیین‌کنندهٔ اعتبار و صلاحیت مداخلات در علم حفاظت به شمار می‌رود (Mason, David, and Delatorre 2003; Matero 2000). چراکه اصولاً حفاظت از یک اثر زمانی انجام می‌شود که آن اثر یا مکان، ارزشمند باشد و هر تصمیمی دربارهٔ مداخله و درمان یک شیء یا مکان، وابسته به ارزش‌های آن است (Mason, David, and Delatorre 2003, 32). به همین دلیل یک اقدام حفاظتی زمانی موفق به حساب می‌آید که بتواند از ارزش‌های اثر حفاظت کند (Hazen 2009, 169) (تصویر ۵). یکی از بنیادی‌ترین و کاربردی‌ترین تقسیم‌بندی‌های ارزش در حوزهٔ میراث‌فرهنگی، متعلق به برنارد فیلدن^{۱۲} است که ارزش‌های اثر را به سه گروه اصلی ارزش‌های احساسی، فرهنگی و کاربردی تقسیم می‌کند که هر کدام زیرمجموعه‌های وابسته به خود را دارد (Fielden 2003, 3).



تصویر ۵: ارزش‌ها، محرک اصلی و اولیهٔ مداخلات حفاظتی (Avrami, Mason, and De La Torre 2000, 5)

در موضوع «نیاز» نیز مطالعات بسیاری شکل گرفته که مهم‌ترین و عملی‌ترین آن مطالعات آبراهام مازلو در این زمینه است. اگر چه تعابیر و تعاریف بیشتری از نیاز در دسترس است، استفاده از تعریف آبراهام مازلو و تقسیم‌بندی نیاز به پنج گروه نیازهای زیستی، امنیتی، تعلق، احترام و خودشکوفایی (شامل نیازهای فهم و ادراک زیبایی‌شناختی) که در بسیاری از علوم دیگر مورد استفاده قرار گرفته (اختیاری ۱۳۹۱) و به‌نوعی مهم‌ترین و معروف‌ترین تعریف و دسته‌بندی نیازها محسوب می‌شود، می‌تواند به روشن شدن موضوع کمک بسیاری بکند. به گفتهٔ هویت^{۱۳}، به‌رغم انتقاداتی که به دسته‌بندی مازلو وارد است، این دسته‌بندی، همچنان از نظر تحقیقات علمی، عملی‌ترین و کاربردی‌ترین دسته‌بندی و طبقه‌بندی نیازهاست (Huitt 2007, 3).

میان محیط‌های ساخته‌شده و نیازهای کاربران و استفاده‌کنندگان از آن‌ها از یک‌سو و قابلیت‌های ارائه‌شده از سوی محیط از سوی دیگر، ارتباطی مستقیم وجود دارد (Alwah et al. 2021). قابلیت‌های ادراک‌شدهٔ محیط حاصل ویژگی‌های مختلف آن بوده و مهم‌ترین مرجع برای پاسخ‌گویی به نیازهای مخاطبان هستند. از سوی دیگر، پاسخ‌گویی مناسب به نیازهای کاربران محیط برای آن‌ها ایجاد ارزش کرده و حفاظت از ارزش‌های ایجادشده در نهایت موجب حفاظت از محیط خواهد شد (تصویر ۶).



تصویر ۶: قابلیت ادراک‌شده و رابطهٔ میان ویژگی‌های میدان تاریخی و حفاظت از ارزش‌ها

۸. قابلیت ادراک‌شده در میدان‌های تاریخی

میدان تاریخی به‌عنوان محیط‌های شهری، درهم‌تنیدگی انکارناپذیری با فرهنگ، تجارب تاریخی و پیشینهٔ اجتماعی کاربران و ذی‌نفعان دارند؛ از این‌رو دیدگاه گیور، به‌خصوص تقسیم‌بندی سه‌گانهٔ وی، می‌تواند نقش مهمی در تبیین و

تشخیص قابلیت‌های آن‌ها داشته باشد؛ چراکه اغلب مشکلات حفاظتی در محیط‌های تاریخی، حاصل تداخل نیازهای زندگی معاصر و نیازهای مبتنی بر حفظ فرهنگ و هویت گذشته است. بنابراین ادراک کاربران در محیطی که هم‌زمان می‌تواند هم به نیازهای زندگی معاصر و روزمره آن‌ها پاسخ بدهد و هم نیازهای هویتی، تعلق و احترام آن‌ها را با پیوند به فرهنگ و گذشته‌شان پاسخ‌گو باشد، دچار سردرگمی‌هایی خواهد شد که نیازمند سازمان‌دهی است. برای مثال قابلیت استفاده کردن از بخشی از میدان گنجعلی خان کرمان در ایام محرم به‌عنوان حسینیه، قابلیتی است که کاربران با تغییر و مسدودسازی بخشی از میدان آن را تغییر داده و به نیاز خود پاسخ می‌دهند. نیازی که برگرفته از هویت فرهنگی-اسلامی آن‌هاست و پاسخ‌گویی به آن می‌تواند به افزایش ارزش میدان از دید آن‌ها کمک کند (تصویر ۷). مدیریت چنین ادراکی از فضا و پاسخ‌گویی به آن به‌گونه‌ای که تداخلی با قابلیت‌های بصری و زیباشناختی بنا نداشته باشد، از تعارض ارزش‌ها کاسته و به حفاظت بهتر محیط کمک خواهد کرد. فاستر^{۱۴} و همکاران، در طرح باززنده‌سازی میدان ترافالگار در لندن، از یکی از مهم‌ترین قابلیت‌های پنهان میدان بهترین استفاده را کرده‌اند. آن‌ها از پس‌زمینه معماری موجود به‌عنوان نمایشگاهی عظیم از هنر معماری استفاده کردند. قابلیتی که در میدان وجود داشته اما به‌دلیل تردد خودرو از ادراک بخش بزرگی از بازدیدکنندگان مخفی مانده بود. فاستر با پیاده‌راه‌سازی در میدان، ادراک این قابلیت ادراک‌شده محیط را ممکن ساخته و از آن برای ایجاد ارزش در نظر کاربران فضا استفاده کرد (Mitrache 2012) (تصویر ۸). در طرح ممیزی منطقه حفاظت‌شده میدان ترافالگار نیز بخشی به شناسایی بناهای ثبت‌نشده و لزوم شناخت قابلیت‌های آن‌ها اختصاص یافته است (City of Westminster 2003).



تصویر ۷: میدان گنجعلی خان کرمان، تغییر در ویژگی‌های کالبدی و فیزیکی و استفاده از قابلیت ادراک‌شده برگزاری مراسم ماه محرم، منتج به ارزش کاربردی، احساسی و فرهنگی



تصویر ۸: ویژگی معماری میدان ترافالگار و قابلیت ادراک‌شده آن به‌عنوان یک نمایشگاه معماری که توسط فاستر در طرح حفاظت میدان استفاده شده است (Jagannath 2018).

میراث فرهنگی علاوه بر قابلیت‌های عملکردی، دارای قابلیت‌هایی نظیر تاریخی، علمی و عاطفی است (حجت ۱۳۸۰، ۹۷). زمانی که یک اثر در نشان دادن جنبه‌هایی از تاریخ توانمند است، به‌معنای آن است که این قابلیت را دارد تا از طریق مجموعه‌ای از صفات و ویژگی‌ها در واقعیت وجودی خود، امکان انتساب عملکردها و ارزش‌هایی با ماهیت تاریخی را برای اثر خلق کند، فراهم آورد و یا پیشنهاد دهد. در واقع درک حقیقی قابلیت‌ها، تا حدودی با فرهنگ، پیشینه اجتماعی،

تجربیات و مقاصد کاربران مشخص می‌شود (محمدی، ندیمی، و ثقفی ۱۳۹۶).

بنابراین از دیدگاه دانش حفاظت، هنگامی که یک اثر هنری-تاریخی دارای قابلیت‌هایی با فحوای میراثی است، بدان معناست که اثر با پشتیبانی بالقوه «واقعیت وجودی» خود که حامل معانی است، توانسته است تصویری از خود را در ذهن ادراک‌کنندگان با ماهیت و جوانب میراثی خلق نماید. براساس این تصویر که «واقعیت» اثر را در زمان حال و در تطابق با امور واقع خارجی نشان می‌دهد، اثر می‌تواند در عرصه‌های تاریخی، هنری، علمی مرتبط با میراث فرهنگی عملکرد مؤثر داشته باشد. حفاظت از قابلیت‌های میراثی، ابزاری برای تداوم توانمندی‌های اثر در رفع نیازهای جامعه دربردارنده آن، در هریک از عرصه‌های فوق است.

۹. کیفیت میدان‌های تاریخی شهری

میدان شهری در اروپا، اغلب تحت عنوان فضای شهری و فضای عمومی بررسی و پژوهش می‌شوند (Zagroba et al. 2020). از آنجاکه اغلب میدان‌های شهری تاریخی در اروپا از دوران باستان جزو عناصر اصلی شهر بوده و در طول قرون وسطا و حتی دوران مدرن با تغییرات نه‌چندان زیاد میزبان زندگی شهری بوده‌اند، تئوری‌های حفاظتی نیز عموماً بر مبنای تئوری‌های فضای عمومی شکل گرفته است (Ibid). بنابراین به‌طور عملی، اقداماتی که در مورد میدان‌های تاریخی شهری انجام می‌گیرد، بر مبنای برنامه‌ریزی‌های فضای عمومی و در جهت ارتقای کیفیت آن‌هاست.

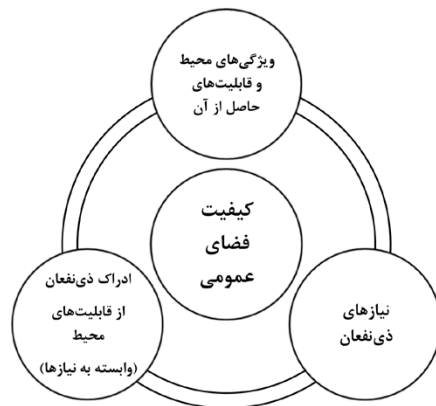
موضوع ارزیابی کیفی فضاهای عمومی نیز پس از آغاز زوال فضاهای شهری در قرن بیستم (در ایران از قرن بیست و یکم) آغاز شد (Mehan 2016). دفتر معاونت نخست‌وزیر انگلستان^{۱۵} در سال ۲۰۰۴، تحقیقی را در مورد کیفیت فضاهای عمومی شهری با بررسی نظر ۱۵۰ پاسخ‌دهنده انجام داد. تحلیل نتایج این تحقیق نشان داد که استفاده‌کنندگان از فضای عمومی ویژگی‌های امنیت، دسترسی و پاکیزگی فضای عمومی را مهم‌ترین عامل کیفیت قلمداد کرده و در مقابل برای موارد دیگری نظیر حفاظت و نگهداری فیزیکی فضاهای عمومی ارزش کمتری قائل بوده‌اند (مطالایی و رنجبر ۱۳۸۹). پس از آن، این دفتر با تکیه بر سندی به نام «به کمک طراحی» که در سال ۲۰۰۰ تدوین شده، اشاره می‌کند که فضاهای عمومی می‌توانند با ۱۰ عامل زیر از یکدیگر متمایز و مشخص شوند: نظافت و پاکیزگی، دسترسی، جذابیت، راحتی، جامعیت، سرزندگی و پویایی، عملکرد، تمایز و تشخیص، ایمنی و امنیت و نیرومندی.

کارمونا^{۱۶} و همکاران نیز در سال ۲۰۰۳، ویژگی‌های کلیدی برای مکان عمومی موفق را در چهار عنوان آسایش و تصویر ذهنی، دسترسی و پیوستگی، استفاده‌ها و فعالیت‌ها، و درنهایت معاشرت‌پذیری و ایجاد فرصت برقراری تعاملات اجتماعی عنوان کرده‌اند (Carmona 2003).

در نظریات پایه‌ای دیگر در زمینه باززنده‌سازی محیط‌ها و مراکز شهری از جمله نظریات گریگسبی، رابرت، مونتگومری، تاینزل و پورتر نیز عموماً بر محورهای و محتوای متکی بر سه حیطه اقتصادی، اجتماعی و کالبدی تأکید شده است (حکیمی، نظری، و نظری ۱۳۹۴).

موارد مورد بحث در تمامی مطالعات حوزه کیفیت فضای عمومی، ویژگی‌هایی هستند که در صورت وجود آن‌ها در محیط، افزایش رضایت خاطر کاربران فضا را در پی خواهند داشت. برای مثال، امنیت، راحتی، عملکرد و... همگی ویژگی‌هایی هستند که استفاده از محیط را برای کاربر خوشایند کرده و درنهایت موجب رضایت وی از محیط می‌شوند. از این‌رو می‌توان چنین ادعا کرد که تئوری‌های مرتبط با کیفیت فضای عمومی، اساساً بر روی ارائه ویژگی‌های خوشایند و منطبق با نیازهای کاربران متمرکزند. ازسوی دیگر چنان‌که پیش‌تر گفته شد، قابلیت ادراک‌شده محیط (افردنس)، ادراک کاربر از ویژگی‌های محیط است؛ بنابراین، ارائه ویژگی‌های خوشایند، خود به‌تنهایی نمی‌تواند موجب ارزش شود، مگر اینکه قابلیت ادراک آن نیز برای کاربران فضا میسر گردد.

با این توضیح می‌توان چنین گفت که میان ویژگی‌های محیط، نیازهای کاربران، ادراک آن‌ها از محیط و کیفیت فضای عمومی رابطه مستقیمی وجود دارد (تصویر ۱۰). در واقع مؤلفه‌های کیفیت فضای عمومی، ویژگی‌هایی هستند که قابلیت‌هایی را برای استفاده از محیط ایجاد می‌کنند. برای مثال احساس امنیت به‌عنوان بخشی از ویژگی‌های کالبدی و



تصویر ۹: رابطه میان کیفیت فضای عمومی و نیازها، ویژگی‌ها و قابلیت‌های ادراک‌شده محیط

فیزیکی یک میدان می‌تواند منجر به قابلیت مکت در فضا گردد و یا ویژگی خوانا بودن به‌عنوان بخشی از ویژگی‌های بصری، می‌تواند منجر به قابلیت‌هایی از جمله قابلیت پژوهش‌های علمی-تاریخی، قابلیت فهم تاریخی-فرهنگی و یا قابلیت ایجاد حس تعلق گردد.

۱۰. رابطه میان ویژگی‌های میدان، نیازهای ذی‌نفعان و قابلیت‌های ادراک‌شده

تورگوت^{۱۷} در پژوهشی دربارهٔ رابطه میان شهر و میدان، مؤلفه‌های مهم در تحلیل ویژگی‌های میدان را در شش گروه ویژگی‌های تاریخی، فیزیکی (کالبدی)، معنایی، اجتماعی، کارکردی (عملکردی) و بصری ارائه می‌کند (Turgut 2020). ویژگی‌های میدان در هر کدام از این جنبه‌ها، قابلیت‌هایی را ایجاد می‌کنند که براساس نظر گیور، می‌توانند توسط کاربران ادراک شده و یا ادراک نشوند. هر گروه از این قابلیت‌ها، توان پاسخ‌گویی به بخشی از نیازهای مخاطبان و ذی‌نفعان در میدان تاریخی را دارند که در صورت مدیریت صحیح می‌توانند برای مخاطب ایجاد ارزش کنند. هر کدام از این ویژگی‌ها، مؤلفه‌های کیفیت فضا را نیز در خود جای می‌دهد. برای مثال مؤلفهٔ امنیت می‌تواند در گروه ویژگی‌های فیزیکی (فضایی) و اجتماعی و یا مؤلفهٔ خوانایی در گروه ویژگی‌های بصری و تاریخی قابل دستیابی باشد. بنابراین متخصص حفاظت می‌تواند پس از دریافت ادراک ذی‌نفعان از ویژگی‌های شش‌گانهٔ میدان و براساس نیازهای گروه‌های مختلف ذی‌نفع، آن‌ها را دسته‌بندی کرده و با توجه به شناخت و مطالعهٔ ارزش‌های گوناگون میدان، آن‌ها را اولویت‌بندی کرده و در فرایند حفاظت به کار گیرد (جدول ۱، تصویر ۳ و ۵).

ویژگی‌های شش‌گانهٔ ارائه‌شده توسط تورگوت، می‌توانند مرجعی برای قابلیت‌های ادراک‌شدهٔ میدان تاریخی باشند. هر کدام از این ویژگی‌ها، قابلیت‌هایی را به مخاطب میدان ارائه می‌کنند که دریافت اطلاعات این قابلیت‌های ادراک‌شده می‌تواند منجر به کنش ذی‌نفع و کاربر میدان گردد. با قرار دادن هر کدام از این ویژگی‌ها به‌عنوان منبع ارائه‌دهندهٔ قابلیت‌های وابسته به آن، می‌توان قابلیت‌های ادراک‌شده از یک میدان را در مقوله‌های زیر تقسیم‌بندی کرد:

۱.۱. قابلیت‌های ادراک‌شده از ویژگی‌های تاریخی

ویژگی‌های تاریخی برآمده از خط تاریخی مکان و حاوی تداوم تاریخی آن است. همچنین محتوای فرایندهای تاریخی را نیز شامل می‌شود (Madanipour 1996). ویژگی‌های تاریخی میدان، می‌تواند در تعامل با ادراک کاربران، قابلیت‌های مبتنی بر تاریخ همچون قابلیت آموزش تاریخی، قابلیت ایجاد حس تاریخمندی و هویت در کاربران و همچنین قابلیت تسهیل پیشبرد اهداف علمی با موضوعیت میراث را ایجاد کند. در صورتی که این قابلیت‌ها بتوانند به‌خوبی توسط کاربران و ذی‌نفعان میدان ادراک شوند، می‌توانند نیازهای مرتبهٔ احترام، خودشکوفایی و احساس تعلق به مکان را

در آن‌ها پاسخ‌گو باشند. در نتیجه این پاسخ‌گویی، میدان در نظر کاربران، واجد ارزش‌هایی از جمله ارزش‌های احساسی (شگفت‌انگیزی، هویت، تداوم)، ارزش‌های فرهنگی (تاریخی، مستندنگاری، باستان‌شناختی و علمی) و ارزش‌های کاربردی (از جمله ارزش‌های آموزشی و قوم‌نگاری و قوم‌شناختی) خواهد بود.

۲.۱۰. قابلیت‌های ادراک‌شده از ویژگی‌های فیزیکی (ویژگی‌های فضایی)

ویژگی‌های فیزیکی برآمده از جنبه‌های فیزیکی و شکلی میدان، که براساس مفاهیم کلیدی از جمله صورت و فضا در بعد کالبد تحلیل می‌شود. این ویژگی‌ها قابلیت‌هایی در رابطه با فیزیک و کالبد میدان ایجاد می‌کنند؛ از جمله قابلیت استفاده از فضای کالبدی میدان، قابلیت آموزشی در حوزه طراحی معماری، جذب گردشگر و بهره‌وری اقتصادی از کالبد و فیزیک میدان. این قابلیت‌ها نیازهای زیستی و ایمنی کاربران را پاسخ‌گو بوده و موجب ایجاد و تقویت ارزش‌های فرهنگی (منظر شهری، منظر محیطی، علمی، فن‌شناختی) و کاربردی (عملکردی، اقتصادی، آموزشی) مختلف در میدان می‌شوند.

۳.۱۰. قابلیت‌های ادراک‌شده از قابلیت‌های ادراک‌شده از ویژگی‌های معنایی (ابعاد نما، تصویر و علامت)

ویژگی‌های معنایی از دل معنا و ادراک فضا برآمده است. پس‌زمینه معماری میدان و تصاویر آن سرشار از معانی نمادین است. استفاده نمادین از فضا، قابلیت ارتقای دانش زیباشناختی جامعه و قابلیت تحکیم پیوندهای اجتماعی و فرهنگی در میدان، حاصل ویژگی‌های معنایی آن است. این قابلیت‌ها، نیازهای احترام، تعلق و خودشکوفایی را در کاربران پاسخ‌گو خواهند بود. نیازهایی که پاسخ مثبت به آن‌ها ارزش‌های احساسی (شگفتی، معنوی و نمادین) و فرهنگی (زیباشناختی و نمادین) را ایجاد خواهد کرد.

۴.۱۰. قابلیت‌های ادراک‌شده از ویژگی‌های اجتماعی (ابعاد اجتماعی، فرهنگی، انسانی و سیاسی)

ویژگی‌های اجتماعی برگرفته از مفهوم و جنبه اجتماعی میدان و فضای شهری است که تحت‌تأثیر فرایندهای اجتماعی و با همراهی طبیعت شکل یافته است. ابعاد اجتماعی، فرهنگی، انسانی و سیاسی در بُعد اجتماعی میدان تحلیل می‌شوند. قابلیت ایجاد جوامع و گروه‌های اجتماعی و فرهنگی و سیاسی در داخل میدان، ارتقای روابط کاربران در حوزه‌های ذکر شده و تقویت انواع گونه‌های پیوندهای اجتماعی از قابلیت‌هایی است که ویژگی‌های اجتماعی میدان عرضه می‌کنند. نیاز به احساس تعلق، نیاز به احترام و نیاز به خودشکوفایی در کاربران می‌تواند پاسخ خود را از این گروه قابلیت‌ها دریافت کنند. پاسخ مناسب به این نیازها، ارزش‌های احساسی (هویت، معنوی)، فرهنگی (منظر شهری، منظر محیطی، بوم‌شناختی) و کاربردی (اجتماعی، سیاسی، قوم‌شناسی) را تقویت خواهد کرد.

۵.۱۰. قابلیت‌های ادراک‌شده از ویژگی‌های کارکردی (انطباق با اهداف و ضرورت‌ها)

ویژگی‌های کارکردی برآمده از تعریف و طراحی میدان است. آنچه میدان برای آن خلق شده و وظایفی که در ادامه حیات تاریخی خود بر عهده گرفته است. قابلیت‌های احیای کاربری‌های گذشته، ایجاد کاربری‌های جدید، تکمیل و ارتقای سطح زندگی معاصر، و ارائه ضرورت‌های محیطی زندگی عمومی در فضای عمومی شهری از مهم‌ترین قابلیت‌های میدان‌های تاریخی شهری هستند. این قابلیت‌ها می‌توانند مجموعه‌ای از نیازهای زیستی، ایمنی و حس تعلق را پاسخ‌گو باشند و در نهایت منجر به ایجاد و تثبیت و یا تقویت ارزش‌های احساسی (هویت، تداوم)، فرهنگی (مستندنگاری، فنی و علمی) و کاربردی (عملکردی، اقتصادی، اجتماعی، آموزشی، سیاسی، قوم‌شناسی) گردند.

۶.۱۰. قابلیت‌های ادراک‌شده از ویژگی‌های بصری

فضای شهری می‌تواند با تجربیات بصری درک شود. مفاهیم اساسی همچون حس، ادراک و هارمونی در بعد بصری تحلیل می‌شوند. قابلیت‌هایی همچون قابلیت ارتباط بصری با تاریخ و فرهنگ، تقویت حس تعلق به مکان در میان ساکنان و آموزش حس زیبایی‌شناسی در کاربران و ذی‌نفعان نیز حاصل ویژگی‌های بصری میدان است. این قابلیت‌ها به مجموعه‌ای از نیازهای تعلق، احترام و خودشکوفایی پاسخ می‌دهند؛ پاسخ‌هایی که منجر به ارزش‌های احساسی (هویت، شگفتی، تداوم، معنی و روحانی)، فرهنگی (مستندنگاری، تاریخی، زیبایی‌شناختی، منظر شهری) و کاربردی (آموزشی، اجتماعی) خواهد شد.

جدول ۱: رابطه میان ویژگی‌های میدان، قابلیت‌های ادراک‌شده، نیازها و ارزش‌های حاصل از پاسخ‌گویی به نیازها

ویژگی‌های میدان	نمونه‌ای از قابلیت‌های ادراک‌شده منطبق بر ویژگی‌ها	نیازهای مرتبط	ارزش‌های حاصل از ادراک پذیر بودن قابلیت‌ها و پاسخ به نیازها
تاریخی (مبتنی بر مفاهیم کلیدی مانند تاریخ، پایداری و حفاظت در بعد تاریخی)	آموزش تاریخ، ایجاد حس تاریخمندی و هویت، پیشبرد علمی موضوع میراث	احترام، خودشکوفایی، تعلق	احساسی (شگفت‌انگیزی، هویت، تداوم) فرهنگی (تاریخی، مستندنگاری، باستان‌شناختی، علمی) کاربردی (آموزشی، قوم‌شناختی)
فیزیکی (مبتنی بر مفاهیم کلیدی شکلی صوری و فضایی در بعد کالبدی و فیزیکی)	استفاده از فضای کالبدی، آموزش طراحی و معماری، جذب گردشگر و بهره‌وری اقتصادی	زیستی، ایمنی	فرهنگی (منظر شهری، منظر محیطی، علمی، فن‌شناختی) کاربردی (عملکردی، اقتصادی، آموزشی)
معنایی (مبتنی بر مفاهیم کلیدی مانند نماد، تصویر ابعاد نشانه و علامت در بعد معنا)	استفاده نمادین از فضا برای منافع اجتماعی و سیاسی و فرهنگی، استفاده برای ارتقای سواد زیباشناختی جامعه، تحکیم پیوندهای اجتماعی و فرهنگی و سیاسی جامعه	احترام، تعلق، خودشکوفایی	احساسی (شگفتی، معنوی و نمادین) فرهنگی (زیباشناختی و نمادین)
اجتماعی (مبتنی بر مفاهیم کلیدی از جمله ابعاد اجتماعی، فرهنگی، انسانی و سیاسی در بعد اجتماعی)	ایجاد جوامع و گروه‌های اجتماعی و فرهنگی و سیاسی، ارتقای روابط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، تقویت پیوندهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی	تعلق، احترام، خودشکوفایی	احساسی (هویت، معنوی) فرهنگی (منظر شهری، منظر محیطی، بوم‌شناختی) کاربردی (اجتماعی، سیاسی، قوم‌شناسی)
کارکردی (مبتنی بر مفاهیم کلیدی مانند انطباق با اهداف و ضرورت‌ها در بعد کارکردی)	احیای کاربری‌های گذشته، ایجاد کاربری‌های جدید، تکمیل و ارتقای سطح زندگی معاصر، ارائه ضرورت‌های محیطی زندگی عمومی در فضای عمومی شهری	زیستی، ایمنی، تعلق	احساسی (هویت، تداوم) فرهنگی (مستندنگاری، فنی و علمی) کاربردی (عملکردی، اقتصادی، اجتماعی، آموزشی، سیاسی، قوم‌شناسی)
بصری (مبتنی بر مفاهیم کلیدی مانند حس، ادراک و هارمونی در بعد بصری)	ارتباط بصری با تاریخ و فرهنگ، تقویت حس تعلق به مکان در میان ساکنان، آموزش و تقویت حس زیبایی‌شناسی	تعلق، احترام، خودشکوفایی	احساسی (هویت، شگفتی، تداوم، معنی و روحانی) فرهنگی (مستندنگاری، تاریخی، زیبایی‌شناختی، منظر شهری) کاربردی (آموزشی، اجتماعی)

نتیجه

مهم‌ترین دستاورد این پژوهش دستیابی به مدلی مفهومی است که رابطه میان ذی‌نفعان و نیازهایشان از یک سو و فرایندهای حفاظتی از سوی دیگر را تشریح و تدقیق می‌کند. این مدل یک رویکرد کلی از نگرش حفاظتی در میدان‌های تاریخی با اتکا به رویکردهای پایین به بالا را ارائه می‌دهد که در آن، ادراک ذی‌نفعان از میدان تاریخی و رابطه میان آن با تصمیمات حفاظتی به‌طور مشخص و کاربردی معین شده است. کنش‌های متعارض با ارزش‌های میدان‌های تاریخی و اصول حفاظتی از سوی کاربران و ذی‌نفعان در ایران، عموماً با قوانین ایجابی و دستورالعمل‌های اجرایی و قانونی از بالا به پایین روبه‌رو می‌شود. این مدل می‌تواند با فهم ادراک ذی‌نفعان از قابلیت‌های ادراک‌شده و مدیریت اطلاعات مربوط به این قابلیت‌ها، به‌جای برخوردهای قهری و تصمیم‌های سازمانی بالا به پایین، بر روی ادراک ذی‌نفعان از قابلیت‌های ادراک‌شده میدان کنترل داشته و به حفاظت پایدار میدان تاریخی کمک کند؛ به این صورت که اطلاعات مربوط به قابلیت‌های کاذب را با اقدام مناسب بر روی ویژگی‌های میدان و نیازهای ذی‌نفعان حذف و یا اصلاح کرده و از این طریق بر روی ادراک ذی‌نفعان از این قابلیت‌ها تأثیر بگذارد. همچنین اطلاعات مربوط به قابلیت‌های پنهان را تقویت و آشکار کرده و با هدایت نیازهای ذی‌نفعان و ویژگی‌های میدان به سمت این اطلاعات، موجب ادراک مناسب ذی‌نفعان از این دسته قابلیت‌های ادراک‌شده گردد. این اقدامات، به‌طور مؤثری مشارکت ذی‌نفعان در فرایندهای حفاظتی را اثربخش

کرده و از تعارض آن‌ها با اصول حفاظت و ارزش‌های میدان تاریخی خواهد کاست. از آنجاکه تمامی انواع میراث فرهنگی از منقول تا غیرمنقول و از ملموس تا ناملموس صاحبان حق و ذی‌نفعانی دارند که باید در حفاظت آن‌ها مشارکت داده شده و کنش‌های آن‌ها با اثر فرهنگی از اهمیت بالایی برخوردار است، این مدل می‌تواند برای همه آن‌ها کاربرد داشته باشد؛ به این ترتیب که براساس این مدل، ذی‌نفعان همه گروه‌های میراثی قابلیت بررسی داشته و می‌توان ادراک آن‌ها از اثر را ثبت، دسته‌بندی و تحلیل کرده و از این دسته‌بندی نتایج لازم در مورد نیازها و چگونگی مشارکت ذی‌نفعان را استخراج و فرایند حفاظت را تقویت کرد.

همچنین مفهوم قابلیت ادراک شده به طراحان حفاظتی کمک می‌کند تا هم‌زمان ارزش‌های میدان‌های تاریخی به‌عنوان بخشی از منظر شهری تاریخی و نیازهای کاربران و ذی‌نفعان به‌عنوان مهم‌ترین کنشگران عرصه محیط‌های تاریخی را استفاده، کنترل و مدیریت کنند. این مفهوم به آن‌ها اجازه می‌دهد تا رفتار ذی‌نفعان و کاربران میدان تاریخی را در جهت حفظ ارزش‌های آن ترغیب و یا کنترل کنند. از طریق مفهوم قابلیت‌های ادراک‌پذیر حاصل از ویژگی‌های اثر می‌توان میان طرح‌های حفاظتی و نیازهای کاربران و ذی‌نفعان ارتباط برقرار کرده و از آن به‌عنوان زبان مشترک میان افراد سهیم در میدان تاریخی و گروه‌های ذی‌نفع استفاده کرد.

قابلیت‌های ادراک‌پذیر، با ایجاد مقایسه رفتارها و کنش‌های ذی‌نفعان و انتظارات آن‌ها از محیط، امکان تصحیح اشتباهات طرح‌ها و اقدامات پیشین را فراهم کرده و از تکرار آن‌ها جلوگیری می‌کند و می‌تواند به ارائه راهبردهای تصحیح‌شده برای تأمین اهداف مطلوب در فرایند حفاظت کمک کند. همچنین مهم‌ترین ویژگی مفهوم قابلیت ادراک‌پذیر این است که می‌تواند از مراحل اولیه و شروع طرح‌های حفاظت تا مراحل ارزیابی و نظارت پس از اجرا، به بررسی و مونی‌تورینگ وضعیت میدان تاریخی کمک کند.

پی‌نوشت‌ها

1. Gibson
2. Dennis Rodwell
3. Francesco Bandarin
4. Ron Van Oers
5. Affordance
6. Capability
7. Don Norman
8. Wiliam Gaver
9. Perceptible Affordance
10. False Affordance
11. Hidden Affordance
12. Bernard Fielden
13. Huitt
14. Foster
15. ODPM
16. Carmona
17. Turgut

منابع

- اختیاری، مریم. ۱۳۹۱. بررسی مفهومی‌های خواست و نیاز انسان در روان‌شناسی و تأثیر آن‌ها بر معماری. مجله صفا، ش. ۵۷: ۴۶-۳۱.
- اسلامی مجاوری، نصر، حمیدرضا انصاری، و علیرضا عینی‌فر. ۱۴۰۲. مطالعه قیاسی ویژگی‌های محیطی مرتبط با رفتار از نظر کاربران و مؤلفه‌های نحو فضا در محله مسکونی با بافت ارگانیک: محله چیدر. مطالعات معماری ایران، ش. ۲۳: ۵۹-۱۲.
- باقری طالقانی، ابراهیم. ۱۳۹۳. مفاهیم کاربردی نظریه فردنس، از روان‌شناسی تا فرایند طراحی. نشریه هنرهای زیبا- هنرهای تجسمی ۱۹(۳): ۶۴-۵۵.
- باندیرین، فرانچسکو، و رون ون اوئرز. ۲۰۱۲. منظر شهری تاریخی: مدیریت میراث در قرن شهری. ترجمه پویا دولایی، پرستو عسرتی و سمیه فدایی‌نژاد. ۱۳۹۷. تهران: دانشگاه تهران.
- حجت، مهدی. ۱۳۸۰. میراث‌فرهنگی در ایران. تهران: سازمان میراث‌فرهنگی کشور.
- حکیمی، هادی، سelda نظری، و نیلوفر نظری. ۱۳۹۴. راهبردهای بازنده‌سازی میدان‌های تاریخی؛ نمونه موردی: میدان صاحب‌آباد تبریز. نشریه علمی‌پژوهشی جغرافیا و برنامه‌ریزی ۱۹(۵۲): ۸۳-۶۵.
- دانشگر مقدم، گلرخ، و مرمر اسلام‌پور. ۱۳۹۱. تحلیل نظریه قابلیت محیط از دیدگاه گیبسون و بازخورد آن در مطالعات انسان و محیط انسان‌ساخت. مجله معماری و شهرسازی آرمانشهر، ش. ۹: ۸۶-۷۳.
- رادول، دنیس. ۲۰۰۷. حفاظت و پایداری در شهرهای تاریخی. ترجمه پیروز حناچی و یلدا شاه‌تیموری. ۱۳۹۳. تهران: دانشگاه تهران.
- سیاسی، علی‌اکبر. ۱۳۶۷. نظریه‌های مربوط به شخصیت. تهران: دانشگاه تهران.
- صادقی، علیرضا، و فریال احمدی. ۱۳۹۶. خوانش مؤلفه‌های مکان در طراحی محیط شهری (نمونه موردی: میدان‌های تاریخی نقش جهان، گنجعلی‌خان، دل کمپو و گراند پلیس). مجله علوم و تکنولوژی محیط‌زیست ۱۹(۵): ۵۵۹-۵۷۰.
- فنی، زهره، و فرزانه شیرزادی. ۱۳۹۷. تحلیل عوامل مؤثر بر بازآفرینی فضاهای تاریخی شهر (مطالعه موردی: میدان مشق تهران). فصلنامه علمی‌پژوهشی مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی ۱۳(۱): ۱۷۹-۱۹۷.
- قائدرحمتی، صفر، و صادق نجاتی. ۱۳۹۸. بررسی تغییرات هویت شهری میدان امام خمینی (توپخانه). فصلنامه مطالعات ملی ۲۰(۲): ۱۳۱-۱۴۶.
- قره‌بگلو، مینو، قاسم مطلبی، و سامان صبا. ۱۳۹۸. بازشناسی مفهوم ارزش در رابطه انسان و محیط در فضاهای باز سکونت در معماری سنتی ایران. نشریه هنرهای زیبا ۲۴(۱): ۱۱۴-۱۰۱.
- کریمی آذری، امیررضا، و بهزاد طورانداز. ۱۳۹۷. بازآفرینی میدانی شهری با تأکید بر تعاملات اجتماعی بر اساس اصول نوشهرگرایی (مطالعه موردی: میدان امام بندرانزلی). مجله دانش شهرسازی ۲(۳): ۹۷-۸۵.
- محمدی، محسن، حمید ندیمی، و محمودرضا ثقفی. ۱۳۹۶. جستاری در کاربرد مفهوم قابلیت در طراحی و ارزیابی محیط ساخته‌شده. مجله صفا ۲۷(۷۷): ۳۳-۲۱.
- مزینی، منوچهر. ۱۳۸۵. مقالاتی در باب شهر و شهرسازی. تهران: دانشگاه تهران.
- مطالایی، نجمه، و احسان رنجبر. ۱۳۸۹. مدیریت کیفی فضای جمعی، میدان ترافالگار لندن، الگوی مدیریت کیفیت فضای جمعی. مجله منظر ۲(۷): ۳۱-۳۳.
- نقدیشی، رضا، شهیندخت برق‌جلوه، سید غلامرضا اسلامی، و حامد کامل‌نیا. ۱۳۹۵. الگوی آموزش معماری براساس نظریه قابلیت‌های محیطی گیبسون. مجله هویت شهر ۱۰(۲۶): ۸۴-۷۵.
- ویناس، سالوادور مونوز. ۱۳۹۷. تئوری معاصر حفاظت. ترجمه زینب رؤفی و منصور خواجه‌پور. چ. ۱. تهران: جهاد دانشگاهی.
- هاشم‌پور، پریسا، احد نژادابراهیمی، و ثنا یزدانی. ۱۳۹۷. کاربست رویکرد زمینه‌گرایی در بازآفرینی بافت‌های تاریخی (نمونه موردی: میدان صاحب‌الامر تبریز). مجله معماری و شهرسازی پایدار ۶(۱): ۱۲۶-۱۰۵.
- Alwah, Abdulfattah A.Q. Wen Li, Mohammed A.Q. Alwah, and Saddam Shahrhah. 2021. Developing a

Quantitative Tool to Measure the Extent to Which Public Spaces Meet User Needs. *Urban Forestry & Urban Greening*, No. 62: 127-152.

- Avrami, E, R. Mason, and M. De La Torre. 2000. *Values and Heritage Conservation*, Los Angeles: Getty Conservation Institute.
- Bell, Paul et al. 2005. *Environmental Psychology*. Earl McPeck.
- Carmona, M. 2003. *Public Places, Urban Spaces*. Architectural Press.
- *City of Westminster*. 2003. Trafalgar Square Conservation Area Audit. Document ID No: 1130
- Fielden, B. 2003. *Conservation of Historic Buildings*. Oxford; Burlington, MA: Architectural Press.
- Gaver, W.W. 1991. *Technology Affordance*. S. P. Robertson, G. M. Olson & J. S. Olson (Eds.). *Proceedings of the SIGCHI. Conference on Human Factors in Computing Systems: Reaching through Technology*. New York: ACM Press. 79-84.
- Gibson, J. J. 1986. *The Ecological Approach to Visual Perception*. Boston: Houghton Mifflin Company.
- Gibson, J. J. 1982. *Notes on Affordances*. E. Reed, & R. Jones (Eds.), *Reasons for Realism: The Selected Essays of James J. Gibson*, Hillsdale, NJ: Erlbaum, 401-418.
- Good, James M.M. 2007. *The Affordances for Social Psychology of the Ecological Approach to Social Knowing*. Sage Published.
- Hazen, H. 2009. *Valuing Natural Heritage: Park Visitors' Values Related to World Heritage Sites in the USA*. *Current Issues in Tourism* 12(2): 165-181.
- Huitt, W. 2007. *Maslow's Hierarchy of Needs, Educational Psychology Interactive*. Valdosta, GA: Valdosta State University.
- Jagannath, Thejas. 2018. *Theories on Public Spaces: A Case Study of Trafalgar Square*. Interviews and Articles on Art & Public Spaces
- Liu, Ying-Chieh and Su-ju Lu. 2009. An Investigation of Function Based Design Considering Affordances in Conceptual Design of Mechanical Movement. *8th International Conference*. EPCE Springer. Germany.
- Madanipour, A. 1996. *Design of Urban Space: An Inquiry into a Socia-spatial Process*. Wiley.
- Mason, R, M. David, and M. Delatorre. 2003. *Port Arthur Historic Site Management Authority a Case Study*. Getty Conservation Institute. Los Angles.
- Matero, F. 2000. *Ethics and Policy in Conservation*. Newsletter.
- Mehan, asma. 2016. Investigating the Role of Historical Public Squares on Promotion of Citizens' Quality of Life. *Procedia Engineering*, No. 161: 1768-1773
- Michell, Vaughan. 2012. The Capability – Affordance Model, A Method for Analysis and Modelling of Capabilities and Affordances. *Proceedings of the Second International Symposium on Business Modeling and Software Design*, 60-71.
- Mitrache, Georgic. 2012. Architecture, Art, Public Space. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, No. 51: 562-566.
- Motalebi, Ghasem. 2006. A Human-based Approach to Form-making Principles of Urban Spaces. *Honar-ha-ye-Ziba*, No. 27: 57-66.

- _ Norman, D.A. 1988. *The Psychology of Everyday Things*, New York: Basic Books.
- _ Pourbahador, Poupak, and Marlies Brinkhuijsen. 2023. Municipal Strategies for Protecting the Sense of Place Through Public Space Management in Historic Cities: A Case Study of Amsterdam. *Cities*, No. 136: 104242.
- _ Pulles, K, I.A.M. Conti, M.B. de Kleijn, B. Kušters, T. Rous, L.C. Havinga, and D. Ikiz Kaya. 2023. Emerging Strategies for Regeneration of Historic Urban Sites: A Systematic Literature Review. *City, Culture and Society* 35(2): 100539.
- _ Turgut, Duygu. 2020. Case Study on Holistic Assessment of the Relationship Between City and Square. *Journal of Architecture and Urbanism* (44)2: 152-165.
- _ Zagroba, Marek, Agnieszka Szczepanska, and Adam Senetra. 2020. Analysis and Evaluation of Historical Public Spaces in Small Towns in the Polish Region of Warmia. *Sustainability* 12(20): 8356.

■ Investigating the Concept of “Affordance” in the Protection of Urban Historic Squares in Iran

Mansour Khajepour

Ph.D. Candidate, Historic Buildings and Urban Restoration, College of Fine Arts, University of Tehran

Pirouz Hanachi

Professor, School of Architecture, College of Fine Arts, University of Tehran

Affordance is one of the critical and widely utilized concepts in the field of environmental psychology that aids in understanding the relationship between behavioral patterns and user needs with the environment. A significant portion of the conservation process in historical squares involves the participation of stakeholders and their mutual relationship with the environment. This concept lacks a clear definition of architectural conservation. Determining the role and position of Affordances in the conservation process, particularly in historical squares as a type of urban public space, can have an impact on fully understanding the relationship between stakeholders and the squares and any subsequent conservation decisions. This applied study aims to explain and investigate the role of affordance in the conservation process of historical squares. Initially, valid opinions and views centered on the concept of affordance were investigated with an analytical-descriptive approach. Subsequently, the role of this concept in the conservation process of historical squares was determined using a logical reasoning process. To this end, the concepts of participatory trends in the protection and management of changes with the central role of stakeholders, as well as the concepts of value, need, and perception in affordance, were investigated, with the relationship between them being analyzed and documented. The findings indicate that elucidating the affordance of historical squares by stakeholders, interpreting them, and preparing appropriate action plans based on said affordances and the conditions of stakeholder perceptions can be beneficial to the recommended bottom-to-top approach, facilitating the role of stakeholders in protecting historical squares.

Keywords: Conservation, Affordance, Historic Square, Value, Public Space.

JIAS

Journal of Iranian Architecture Studies

26

University of Kashan

School of Architecture and Art

Vol. 26, Autumn and Winter 2025

E-ISSN: 2676-5020

- **Rediscovering a Forgotten Building Type in the Architectural Heritage of Bushehr Port through Historical Images**
Abdolhamid Aalihosseini, Parastoo Eshrati
- **Developing a Typological Framework for Functional Troglodytic Architecture in Iran Based on the ICOMOS Classification Model**
Mahnaz Ashrafi, Amin Keyvanloo
- **Analyzing the Structural Development of Kerman from the 5th to the 10th Century AH, Based on the Role of Political Relations and Urban Elements**
Ali Shafiee Nezhad, Alireza Anisi
- **Recognition of the Qajar Pavilion of Fin Garden through Innovation in Spatial Design and Decorative Motifs**
Ali Dadkhah, Mehdi Momtahan, Maryam Sarraf Mamori
- **Investigating the Concept of "Affordance" in the Protection of Urban Historic Squares in Iran**
Mansour Khajepour, Pirouz Hanachi
- **The Role of Privacy and View Angle in the Formation of Spatial Structure of Native House Architecture in Hajij Village**
Masoud Rezaee, Karen Fattahi, Saeed Moradi, Behzad Vasiq
- **Fundamentals of Conserving Settlements Related to Historic Gardens in Birjand**
Maryam Rezaeipour, Mohammadreza Farzad Behtash, Hamidreza Sabaghi, Alireza Anisi
- **Architecture and Justice in Imam Ali's (PBUH) Era**
Mohammad Mahdi Abdollahzadeh
- **A Historical Narrative of the Architectural Formation of the Pir-i Bakran Monument during the Ilkhanid Period**
Marzieh Mirzaei, Mohammad Reza Rahimzadeh, Nasser Nowrouzzadeh Chegini
- **Systemic Analysis of the Equilibrium Process in the Structural Components of Historical Buildings (Case Study: Graphical Analysis of a Quadrilateral Vault)**
Nima Keynejad, Mohammad Hassan Talebian, Saeid Khaghani
- **Safavid and Qajar Tombstones of Estark Village, Kashan, Iran**
Mohammad Mashhadi Nushabadi, Mohammad Reza Mahloujizadeh
- **Prohibition of "Pretentious Boasting" or "Useless Decorations" in "Rational and Peace-oriented" Art and Architecture**
Mohammad Aliabadi